

فصل اول

معرفی روان‌شناسی اجتماعی

رئوس مطالب فصل و اهداف یادگیری

تعریف روان‌شناسی اجتماعی

۱.۱. روان‌شناسی اجتماعی چیست و با سایر رشته‌های علمی چه تفاوتی دارد؟

روان‌شناسی اجتماعی، فلسفه، علوم و عقل سلیم
تفاوت روان‌شناسی اجتماعی با رشته‌های علمی مشابه آن

قدرت موقعیت

۲.۱. چرا نحوه تبیین و تفسیر افراد از رویدادها و رفتار خود و سایرین اهمیت دارد؟

اهمیت تبیین

اهمیت تفسیر

برداشتها از کجا می‌آیند: انگیزه‌های اساسی انسان

۳.۱. هنگامی که نیاز افراد به احساس رضایتمندی از خود در تعارض با نیاز آنها به دقت بودن قرار می‌گیرد، چه

اتفاقی می‌افتد؟

انگیزه عزت نفس: نیاز به احساس رضایتمندی از خود

انگیزه شناخت اجتماعی: نیاز به دقت بودن

برای ما مایه مباهات و خوشحالی است که راهنمای تور مسافرتی شما به دنیای روان‌شناسی اجتماعی باشیم. ما به عنوان چهار نویسنده کتاب حاضر، در مجموع این مسیر را در طول تقریباً ۱۰۰ سال تعلیم داده‌ایم و از گستره آن به خوبی آگاهیم. در آغاز این سفر امیدواریم که شور و علاقه ما به روان‌شناسی اجتماعی (ماهیت و اهمیت آن) به شما نیز منتقل شود. علاوه بر آنکه از آموزش این حوزه علمی لذت می‌بریم، خواهان مشارکت در رشد و توسعه آن هستیم - برای مثال، هر یک از ما علاوه بر آنکه تدریس می‌کنیم، دانشمندی هستیم که در اساس و زیربنای شکل‌گیری رشته تخصصی خود سهیم بوده‌ایم. در واقع، علاوه بر هدایت کردن این سفر تفریحی، به ایجاد برخی از جاذبه‌های عمده آن نیز کمک می‌کنیم. به مکانهای بسیار جذاب و عجیب نظیر پیش‌داوری، عشق، تبلیغات، آموزش، قانون، پرخاشگری، دلسوزی و ... سفر خواهیم کرد که همه آنها وجوه بسیار متنوع و شگفت‌آور زندگی اجتماعی انسان هستند. آماده‌اید؟ بسیار خوب، پس حرکت می‌کنیم.

- ابتدا با چند نمونه از اعمال قهرمانانه، منجرکننده، فاجعه‌بار و حیرت‌انگیزی که افراد انجام می‌دهند، آغاز می‌کنیم:
- پس از آنکه دو برادر در سال ۲۰۱۳ بمبی را در خط پایان مسابقات دو ماراتن بوستون^۱ منفجر کردند و به موجب آن سه نفر کشته و ۱۷۰ نفر به شدت زخمی شدند، شهروندان بوستون به سرعت به نجات آنان شتافتند. بسیاری علیرغم خطراتی که برای آنها وجود داشت، در محل بمب‌گذاری حاضر شدند و با **بستن** و پانسمان کردن جراحتهای **مجروحین** تا رسیدن آمبولانس به افراد مجروح کمک کردند. شهردار اعلام کرد که «ما شهر نیرومند و مقاومی هستیم» و «بوستون پیروز خواهد شد».
 - کریستن^۲ دو ماه است با مارتین^۳ آشنا شده و احساس می‌کند، دیوانه‌وار عاشق او شده است. او به بهترین دوست خود می‌گوید: «ما رفیق شفیق هستیم! و او بی‌نظیر است، نظر تو چیست؟». بهترین دوستش می‌گوید: «او اصلاً به درد تو نمی‌خورد! او با تو خیلی فرق دارد - از نظر زمینه خانوادگی، مذهب و باور سیاسی؛ حتی تو فیلمهای متفاوتی را دوست داری!». کریستن می‌گوید «من نگران نیستم و متضادها جذاب‌تر هستند. اعتقاد دارم این حرف درستی است و آن را در ویکی‌پدیا^۴ خواندم».
 - جانین^۵ و برادرش اسکار^۶ درباره انجمنهای اخوت^۷ بحث می‌کنند. کالج جانین انجمن اخوت ندارد، در حالی که اسکار در یک دانشگاه دولتی بزرگ در میدوست^۸ درس می‌خواند و در آنجا به انجمن اخوت آلفا بتا^۹ ملحق شده است. او برای ملحق شدن، یک مناسک مذهبی فوق‌العاده **غیرعادی** را پشت سر گذاشت و جانین

¹ - Boston Marathon

² - Kristen

³ - Martin

⁴ - Wikipedia

⁵ - Janine

⁶ - Oscar

^۷ - منظور از انجمن اخوت (fraternity)، انجمن یا باشگاهی است دانشجویی که در آن دانشجویان با اهداف مذهبی یا غیرو گرد هم جمع می‌شوند

(مترجم)

⁸ - Midwest

^۹ - Alpha Beta: این انجمن در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده است و شعار آن «برادری فراتر از همه موانع است» می‌باشد (مترجم)

نتوانست بفهمد که چرا او تا این اندازه به هم گروهی‌ها وابسته شده است. جانین می‌گوید: «گویی آنها قول شرف داده‌اند که چنین کارهای احمقانه‌ای را انجام دهند!»، «آنها شما را تحقیر کرده و وادار می‌کنند که تا نوشیدنی تهوع‌آور را بنوشید و در نیمه شب به حال مرگ بیفتید. چه‌طور می‌توانید از این‌طور زندگی کردن احساس شادمانی کنید؟». اسکار پاسخ می‌دهد که «تو نمی‌فهمی، آلفا بتا بهترین انجمن اخوت است و برادران من در این انجمن از بسیاری افراد دیگر بامزه‌تر هستند».

- آبراهام بیگز^۱ ۱۹ ساله به مدت دو سال در شبکه گفتگوی آنلاین پُست می‌گذاشت. بیگز با ناامیدی از آینده خود و بر هم خوردن رابطه عاطفی اش در مقابل دوربین اعلام کرد که قصد خودکشی دارد. او داروها را بیش از حد مجاز مصرف کرد و تصویر زنده‌ای را از اتاق خواب خود منتشر نمود. هیچ‌کدام از صدها بیننده او با گذشت بیش از ده ساعت با پلیس تماس نگرفتند و برخی هم او را به این اقدام تحریک کردند. پزشکان برای نجات بیگز به موقع اقدام نکردند و وی جان باخت.

- در اواسط دهه ۱۹۷۰، چند صد عضو پیپلز تمپل^۲ که یک فرقه مذهبی کالیفرنایی بود تحت رهبری کشیش جیم جونز^۳ به گویان^۴ مهاجرت کردند و در آنجا انجمن میان‌نژادی^۵ موسوم به جانستون^۶ را تأسیس نمودند. اما طی چند سال برخی اعضا خواستار خروج از فرقه شدند و از همبستگی و وحدت گروه کاسته شد. جونز مایوس شد و همگان را به انجمن فرا خواند و از زیبایی مرگ برای آنها سخن گفت و به ایشان اطمینان داد که در جای دیگری مجدداً یکدیگر را ملاقات خواهند کرد. آنها مشتاقانه در مقابل بشکه‌ای که حاوی ترکیب کول-اید^۷ و سیانید^۸ بود صف کشیدند و از معجون مرگبار نوشیدند (میراث این قتل عام، اصطلاح «کول-اید بنوشید» است که به باور کورکورانه فرد در یک ایدئولوژی اشاره دارد که می‌تواند به مرگ بیانجامد). کل ۹۱۴ نفر از جمله ۸۰ کودک و کشیش جونز جان باختند.

چرا بسیاری از افراد خود را به خطر می‌اندازند تا به افراد غریبه‌ای که به در دسر افتاده‌اند کمک کنند؟ آیا کریستن درست می‌گوید که متضادهای جذاب هستند یا صرفاً خود را دست انداخته است؟ چرا اسکار علی‌رغم مخصمه‌ای که در آن گیر افتاده است برادران خود در انجمن اخوت را دوست دارد؟ چرا افراد با مشاهده تصویر منتشر شده از خودکشی مرد جوان درمانده در وب‌سایت باز هم به آن رویداد فاجعه‌بار توجهی نکردند؟ چگونه صدها نفر برای کشتن فرزندانشان و خودکشی کردن متقاعد شدند؟

^۱ - Abraham Biggs

^۲ - Peoples Temple

^۳ - Jim Jones

^۴ - Guyana کشوری است در ساحل اقیانوس اطلس شمالی واقع در آمریکای جنوبی (مترجم)

^۵ - interracial community

^۶ - Jonestown

^۷ - Kool-Aid

^۸ - cyanide

کل این ماجراها (خوب، بد یا زشت) پرسشهای جالبی را درباره رفتار انسان مطرح می‌کنند. در این کتاب به شما نشان خواهیم داد که روان‌شناسان اجتماعی چگونه به آنها پاسخ می‌دهند.

تعریف روان‌شناسی اجتماعی

۱.۱. روان‌شناسی اجتماعی چیست و با سایر رشته‌های علمی چه تفاوتی دارد؟

کار روان‌شناس این است که برای درک و پیش‌بینی رفتار انسان تلاش کند. روان‌شناسان به طرق مختلف این کار را انجام می‌دهند و ما می‌خواهیم به شما نشان دهیم که روان‌شناسان اجتماعی چگونه عمل می‌کنند. **روان‌شناسی اجتماعی**^۱ مطالعه علمی راههایی است که از طریق آن افکار، احساسات و رفتارهای افراد تحت تأثیر حضور واقعی یا خیالی سایرین (والدین، دوستان، کارفرمایان، معلمان و غریبه‌ها و در واقع کل موقعیت اجتماعی) قرار می‌گیرد (آلپورت^۲، ۱۹۸۵). هنگام تفکر درباره نفوذ اجتماعی، نمونه‌های مختلف که به آسانی به ذهنمان خطور می‌کنند، تلاشهای مستقیم جهت متقاعدسازی^۳ هستند که به موجب آن یک فرد عمداً تلاش می‌کند تا رفتار یا نگرش فرد دیگر را تغییر دهد. و هنگامی اتفاق می‌افتد که تبلیغ‌کنندگان از فنون ظریف و موشکافانه برای متقاعد ساختن ما برای خریدن **برند** خاصی از خمیردندان بهره می‌گیرند یا زمانی که دوستانمان برای متقاعد ساختن ما برای انجام چیزی که واقعاً نمی‌خواهیم انجام دهیم تلاش می‌کنند («بیا، یک نوشیدنی دیگر بخور، همه این کار را می‌کنند») یا هنگامی که قلدر مدرسه با استفاده از زور، بچه‌های کوچکتر را تهدید می‌کند که **پول ناهار وی را** بدهند.

بخش عمده‌ای از روان‌شناسی اجتماعی مطالعه تلاشهای مستقیم **برای نفوذ اجتماعی**^۴ است و در فصول مربوط به هم‌رنگی، نگرش و فرآیندهای گروهی مورد بحث قرار خواهد گرفت. با این حال، نفوذ اجتماعی برای روان‌شناس اجتماعی چیزی فراتر از تلاشهای شخص برای تغییر رفتار فرد دیگر است. نفوذ اجتماعی شامل افکار و احساسات و نیز اعمال مشهود ما است و علاوه بر تلاشهای عمدی جهت متقاعدسازی، اشکال گوناگونی دارد. ما اغلب تحت تأثیر حضور صرف سایرین، از جمله غریبه‌هایی قرار می‌گیریم که با ما تعامل نمی‌کنند. نیازی نیست که سایرین حتماً حضور داشته باشند: ما تحت تأثیر تأیید یا عدم تأیید خیالی والدین، دوستان و معلمانمان و نحوه انتظارمان از واکنش آنها نسبت به خودمان قرار می‌گیریم. گاهی این تأثیرات در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند و روان‌شناسان اجتماعی علاقه خاصی به **درک کردن** این مطلب دارند که هنگام **بروز** این تعارض در ذهن فرد چه می‌گذرد. برای مثال، تعارضها اغلب زمانی روی می‌دهند که افراد جوان وارد کالج می‌شوند و میان باورها و ارزشهای آموخته شده در خانه و باورها و ارزشهای استاد یا هم‌کلاسی‌ها دچار تعارض می‌شوند (به بخش «آن را بیازمایید!» نگاه کنید).

¹ - social psychology

² - Allport

³ - persuasion

⁴ - social influence

روان‌شناسی اجتماعی. مطالعه علمی راههایی است که از طریق آن افکار، احساسات و رفتارهای افراد تحت تأثیر حضور واقعی یا خیالی سایرین قرار می‌گیرد.

نفوذ اجتماعی. تأثیری است که گفتار، عمل یا حضور صرف سایرین بر افکار، احساسات، نگرشها یا رفتار ما دارد.

آن را بیازمایید!

سایرین چگونه ارزشهای شما را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟

درباره ارزشهای اساسی که زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد فکر کنید: عشق، پول، جنسیت، مذهب، آزادی، دلسوزی برای دیگران، امنیت، کودکان، وظیفه، وفاداری و غیره. از ۱۰ ارزشی که بیشترین اهمیت را برای شما، والدین و دوستان صمیمی‌تان در دانشگاه دارد، سه فهرست تهیه کنید. چنانچه در فهرستهایتان تفاوتی وجود داشته باشد، چگونه شما را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ آیا برخی از ارزشهای شما در تعارض با ارزشهای والدین یا دوستانتان قرار دارد و اگر این‌طور است آیا حاضر هستید یک مجموعه از ارزشها را به نفع بقیه کنار بگذارید؟ آیا برای ایجاد توافق میان دو گروه از ارزشها تلاش می‌کنید؟

ترجمه تصویر صفحه ۴: افکار، احساسات و اعمال ما تحت تأثیر محیط مستقیم از جمله حضور سایرین و حتی حضور صرف افراد غریبه قرار می‌گیرد.

ما بقیه این فصل مقدماتی را به بسط دادن این موضوعات اختصاص خواهیم داد، به طوری که به ماهیت روان‌شناسی اجتماعی پی ببرید و دریابید که با سایر رشته‌های علمی چه تفاوتی دارد.

روان‌شناسی اجتماعی، فلسفه، علوم و عقل سلیم

فلسفه در طول تاریخ، منبع اصلی کسب بینش درباره فطرت انسان بوده است. در واقع، بخشی از کار فلاسفه، پایه‌گذاری روان‌شناسی معاصر است. روان‌شناسان برای کسب بینش درباره ماهیت خودآگاهی^۱ (دنه^۲، ۱۹۹۱) و نحوه شکل‌گیری باور افراد درباره دنیای اجتماعی (گیلبرت^۳، ۱۹۹۱) به فلاسفه تاسی کرده‌اند. با این حال، حتی اندیشمندان بزرگ هم گاهی خود را در موضع مخالفت با اندیشمند دیگری می‌یابند. هنگامی که چنین می‌شود، چگونه می‌توان دریافت که حق با

¹ - consciousness

² - Dennett

³ - Gilbert

کدام یک از آنها است؟ آیا در موقعیتهایی فیلسوف (الف) درست می‌گوید و در موقعیتهای دیگر، حق با فیلسوف (ب) است؟ چگونه آن را تعیین می‌کنید؟

ما روان‌شناسان اجتماعی پرسشهای فراوانی را طرح می‌کنیم که فلاسفه نیز مطرح کرده‌اند، اما تلاش می‌کنیم که به این پرسشها نگاه علمی بیندازیم، حتی پرسشهایی که در خصوص معمای بزرگ انسان، یعنی عشق مطرح شده‌اند. بندیکت اسپینوزا^۱، فیلسوف هلندی در سال ۱۶۶۳ **نگرش** بسیار اصیلی را ارائه داد. وی در مخالفت شدید با آریستپوس^۲ که یک فیلسوف پیرو مکتب لذت‌گرایی^۳ بود، چنین مطرح کرد که عشق زمانی آتشین و شدید خواهد بود که درگیر عشق فردی شویم که قبلاً از وی متفر بوده‌ایم. مقصود اسپینوزا با منطق بی‌عیب و نقص به خوبی جور در می‌آید. اما چگونه می‌توان مطمئن شد که تحت چه شرایطی مقصود وی همواره می‌تواند جایگاه خود را حفظ کند؟ اینها پرسشهای تجربی^۴ هستند، به این معنی که به جای ارائه نظرات شخصی می‌توان با انجام آزمایش یا اندازه‌گیری به آنها پاسخ داد (آرونسون، ۱۹۹۹؛ آرونسون و لیندر^۵، ۱۹۶۵).

ترجمه تصویر صفحه ۵: سربازان بریتانیایی در نزدیکی خودروهای شعله‌ور حامل مأموران حافظ صلح ناتو ایستاده‌اند که در نتیجه یک بمب‌گذاری انتحاری در کابل افغانستان جان باختند. اما روان‌شناسان اجتماعی تلاش می‌کنند تا شرایط و موقعیتهایی را **درک کنند** که موجب می‌شوند افراد سالم، تحصیل کرده و باهوش به خاطر اهداف مذهبی یا سیاسی دست به کشتار و خودکشی بزنند.

بیا یک بار دیگر به نمونه‌هایی که در ابتدای فصل ذکر کردیم، نگاهی بیندازیم. چرا افراد مذکور به آن صورت رفتار کردند؟ یک راه پاسخ دادن به پرسش فوق این است که از خود آنها بپرسیم. می‌توانیم از افرادی که شاهد خودکشی آبراهام بیگز بودند بپرسیم که چرا با پلیس تماس نگرفتند، می‌توانیم از اسکار سؤال کنیم که چرا از زندگی در انجمن اخوت لذت می‌برد و می‌توانیم از امدادگران بوستون بپرسیم که چرا بی‌درنگ خود را در دل موقعیت خطرناک **قرار می‌دادند**. مشکل این روش آن است که افراد اغلب از دلایل **نهان** پاسخها و احساسات خویش آگاهی ندارند (گیلبرت، ۲۰۰۸؛ نیزبت و ویلسون^۶، ۱۹۷۷؛ ویلسون، ۲۰۰۲). افراد ممکن است توجیه‌های زیادی را برای تماس نگرفتن با پلیس **برای** نجات بیگز مطرح کنند، اما این توجیه‌ها شاید دلیل بی‌تفاوتی آنها نباشند.

پس از خودکشی دسته جمعی در جانستون، هر کس تبیینی را مطرح کرد:

- جونز از هیپنوتیزم و دارو برای کاهش مقاومت پیروان خود استفاده کرد.
- جونز افرادی را مجذوب خود می‌کرد که قبلاً از نظر بالینی افسرده بودند.
- تنها بیماران روانی یا افراد دارای آشفتگی هیجانی به فرقه‌های مذهبی ملحق می‌شوند.

1 - Benedict Spinoza

2 - Aristippus

3 - hedonistic philosopher

4 - empirical

5 - Aronson & Linder

6 - Nisbett & Wilson

اینها پاسخهای عمده «عقل سلیم»^۱ هستند، اما در عین حال اشتباهند. به علاوه، اگر به تبیینهای عقل سلیم درباره یک رویداد فاجعه‌بار خاص تکیه کنیم، چیز زیادی فرا نمی‌گیریم که به ما در درک موارد مشابه آن کمک کند.

از این رو، روان‌شناسان اجتماعی در تبیین یک فاجعه نظیر جانستون یا هر موضوع مورد علاقه دیگری در صددند تا دریابند که کدامیک از تبیینهای ممکن، محتمل‌تر است. بدین منظور، به جای تکیه بر خرد جمعی^۲، عقل سلیم یا عقاید و بینشهای فلاسفه، داستان‌نویسان، خبرنگاران سیاسی و مادرزرها، مجموعه روشهای علمی را برای آزمون تجربی و نظام‌دار مفروضه‌ها، حدس و گمانها و ایده‌هایمان درباره رفتار اجتماعی انسان طرح‌ریزی کرده‌ایم. از آنجا که تلاش می‌کنیم تا رفتار موجودات زنده **تکامل یافته** را در موقعیتهای پیچیده پیش‌بینی کنیم، انجام آزمایشها در روان‌شناسی اجتماعی چالشهای زیادی به همراه دارد. هدف ما همانند دانشمندان، یافتن پاسخهای عینی برای چنین پرسشهایی است: عوامل ایجادکننده پرخاشگری کدامند؟ علت پیش‌داوری چیست و چگونه می‌توان آن را کاهش داد؟ کدام متغیرها موجب می‌شوند که دو فرد به یکدیگر **علاقه‌مند** شوند؟ چرا اقسام خاصی از تبلیغات سیاسی بهتر از سایر تبلیغات عمل می‌کنند؟

برای پاسخگویی به این پرسشها، اولین کار روان‌شناسی اجتماعی این است که حدس و گمان قریب به یقین به نام فرضیه^۳ را درباره موقعیتهای خاصی مطرح کند که تحت آنها پیامدی روی خواهد داد. درست همان‌طور که یک فیزیکدان برای آزمون فرضیه‌هایی درباره ماهیت دنیای مادی دست به انجام آزمایشهایی می‌زند، روان‌شناس اجتماعی هم آزمایشهایی را برای آزمون فرضیه‌هایی درباره ماهیت دنیای اجتماعی انجام می‌دهد. کار بعدی روان‌شناس اجتماعی طرح آزمایشهای خوب کنترل شده و دقیق است تا موقعیتهای منتهی به پیامد را مشخص نماید. هنگامی که از وجوه کلیدی موقعیت حاکم آگاه هستیم، این روش به ما اجازه می‌دهد تا پیش‌بینی‌های دقیقی انجام دهیم (به فصل دوم مراجعه کنید).

روان‌شناسان اجتماعی به هیچ وجه با خرد جمعی مخالف نیستند. مشکل اصلی تکیه کامل بر چنین منابعی (همانند مثال فیلسوف الف و فیلسوف ب) این است که آنها اغلب مخالف یکدیگرند. توجه کنید که خرد جمعی درباره عوامل تأثیرگذار بر میزان علاقه ما به سایرین چه می‌گوید. می‌دانیم که «کبوتر با کبوتر، باز با باز»^۴. بسیاری از نمونه‌های لذت‌زدگی کردن با افرادی را تصور کنید که با ما زمینه و علایق مشترکی دارند. از طرف دیگر، خرد جمعی به ما می‌گوید که «متضادها جذاب‌تر هستند» (همان‌طور که کریستن را به عاشق شدن واداشت). در نظر داشته باشید که همیشه مجذوب افرادی می‌شویم که زمینه و علایق متفاوتی دارند. خوب، کدام یک؟ به همین ترتیب، آیا بر این باور هستیم که «از دل برود هر آنکه از دیده برفت»^۵ یا «دوری و دوستی»^۶.

روان‌شناسان اجتماعی نشان می‌دهند که تحت برخی شرایط «کبوتر با کبوتر، باز با باز» و تحت شرایط دیگر «متضادها جذاب‌تر هستند» مصداق دارد. به همین منوال، در برخی شرایط «دوری و دوستی» و در شرایط دیگری «از دل برود هر

1 - common sense

2 - folk wisdom

3 - hypothesis

4 - birds of feather flock together

5 - out of sight is out of mind

6 - absence makes the heart grow fonder

آنکه از دیده برفت» مصداق پیدا می‌کند. اما نمی‌توان با اطمینان گفت که هر دو ضرب‌المثل می‌توانند درست باشند. بخشی از کار روان‌شناس اجتماعی این است که با انجام پژوهشها شرایطی را فراهم نماید که تحت آنها یکی از این ضرب‌المثلها احتمالاً مصداق بیشتری پیدا می‌کند.

تفاوت روان‌شناسی اجتماعی با رشته‌های علمی مشابه

مانند همه مردم، هنگام مطالعه مثال هایی که در ابتدای این فصل مطرح شد، تصور می‌کنید، افراد مورد **اشاره** دارای نقاط قوت و ضعف و صفات شخصیتی هستند که آنها را به شیوه خاصی از پاسخ دادن وا می‌دارد. برخی افراد رهبر و برخی پیرو، برخی خیرخواه و برخی خودخواه، برخی شجاع و برخی دیگر بزدل هستند. شاید افرادی که به کمک آبراهام بیگز نشتافتند، تنبل، ترسو، خودخواه یا سنگدل بودند. با وجود آنچه درباره رفتار آنها می‌دانید، آیا حاضر هستید که اتومبیل خود را به آنها قرض دهید یا برای مراقبت از حیوان **خانگی خود** به آنها اعتماد کنید؟

طرح کردن پرسشهایی درباره رفتار افراد بر اساس صفات شخصیتی و پاسخ دادن به آنها کار روان‌شناسان شخصیت^۱ است که عموماً بر روی **تفاوتهای فردی**^۲ تمرکز می‌کنند. تفاوتهای فردی عبارت است از وجوه شخصیتی افراد که آنها را از سایرین متمایز می‌سازد. پژوهشهای انجام شده بر روی شخصیت، فهم ما را از رفتار انسان افزایش می‌دهند، اما روان‌شناسان اجتماعی بر این باورند که تبیین رفتار بر اساس صفات شخصیتی سبب مغفول ماندن بخش تعیین‌کننده ماجرا می‌شود، یعنی نقش نیرومندی که نفوذ اجتماعی ایفا می‌کند.

فاجعه جانستون را مجدداً مد نظر قرار دهید. به **خاطر دارید** که عده **کمی از افراد دست به خودکشی** نزدند، بلکه تقریباً ۱۰۰ درصد آنها این کار را انجام دادند. اینکه بگوییم همه آنها بیمار روانی بودند یا صفات شخصیتی یکسانی داشتند، امری بسیار غیرمحمتمل است. اگر بخواهیم تبیین جامع و کاملی از این رویداد فاجعه‌بار ارائه دهیم، باید دریابیم که چهره فرهنگداری^۳ نظیر جیم جونز از چه نوع قدرت و نفوذی برخوردار بود، ماهیت تأثیر زندگی در جوامع بسته را فارغ از سایر دیدگاهها در نظر بگیریم و عوامل دیگری را که می‌توانند علت اطاعت و فرمانبرداری افراد دارای سلامت روان از وی باشند، مد نظر قرار دهیم. در واقع، همان‌طور که روان‌شناسان اجتماعی نشان داده‌اند، شرایط اجتماعی در جانستون به گونه‌ای بود که هر کسی (اعم از افراد قوی و غیرافسرده) می‌توانست تسلیم و مغلوب نفوذ جونز شود.

در اینجا مثال عادی‌تری را مطرح می‌کنیم. فرض کنید به میهمانی می‌روید و هم‌کلاسی خود را می‌بینید که امیدوار بودید بتوانید وی را بهتر بشناسید. او خیلی ناراحت به نظر می‌رسد، تنها ایستاده است، به هیچ جا نگاه نمی‌کند و با افراد تازه‌وارد صحبت نمی‌کند. شما **احساس می‌کنید تمایلی به برقرارکردن رابطه** با وی ندارید، چرا که فردی منزوی و خودخواه به نظر می‌رسد. اما چند هفته بعد او را مجدداً می‌بینید و این بار معاشرتی، شوخ‌طبع و جذاب **به نظر می‌رسد**. با خود می‌گویید که این هم‌کلاسی واقعاً چگونه فردی است؟ خجالتی یا خودخواه، جذاب و دوست‌داشتنی؟ این یک

¹ - personality psychologists

² - individual differences

³ - charismatic figure

پرسش اشتباه است و پاسخ می‌تواند همه یا هیچ‌کدام باشد. همه ما می‌توانیم در برخی شرایط خجالتی و در شرایط دیگر معاشرتی باشیم. پرسش بسیار جالب‌تر این است که در این دو موقعیت که اثر شگرفی بر رفتار دانشجو دارند، کدام عوامل متفاوت هستند؟ این یک پرسش روان‌شناختی - اجتماعی است (به بخش «آن را بیازمایید!» نگاه کنید).

آن را بیازمایید!

موقعیتهای اجتماعی و خجالت

۱. به یکی از دوستان یا آشنایان خود که او را خجالتی می‌دانید فکر کنید. تلاش کنید که درباره او به عنوان «فرد خجالتی» فکر نکنید و در عوض وی را فردی تصور کنید که در برخی موقعیتهای (نه همه موقعیتهای) در برقراری ارتباط با مردم مشکل دارد.
۲. موقعیتهایی را **تجسم** و فهرست کنید که فکر می‌کنید علت رفتار خجولانه دوستان هستند.
۳. موقعیتهایی را فهرست کنید که موجب می‌شوند دوستان رفتارهای معاشرتی‌تری را نشان دهد. آیا وی در جمع گروه کوچکی از دوستان احساس راحتی می‌کند؟ با یک فرد جدید که علائق مشترکی با او دارد چه‌طور؟
۴. یک محیط اجتماعی را فراهم کنید که می‌دانید دوستان در آن راحت است. به تأثیری که این محیط بر رفتار شما یا دوستان می‌گذارد، به دقت توجه کنید.

ترجمه تصویر صفحه ۷: روان‌شناسان شخصیت کیفیتهایی را در فرد مطالعه می‌کنند که ممکن است وی را خجالتی، متعارف، طغیانگر و مشتاق پوشیدن کلاه گیس فیروزه‌ای در جمع یا بلوز زرد در انبوهی از رنگ آبی سازند. روان‌شناسان اجتماعی به مطالعه نقش نیرومند نفوذ اجتماعی در نحوه رفتار کردن ما می‌پردازند.

روان‌شناسی اجتماعی با سایر رشته‌های علوم اجتماعی، از جمله جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی در ارتباط است. هر یک از این علوم به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر رفتار انسان **تمرکز دارند**، اما در سطوح تحلیل خود با روان‌شناسی اجتماعی تفاوت‌های عمده‌ای دارند. ژنها، هورمون‌ها یا انتقال‌دهنده‌های عصبی^۱ سطح تحلیل برای زیست‌شناسان هستند. سطح تحلیل برای روان‌شناسان شخصیت و بالینی، فرد و برای روان‌شناس اجتماعی، **فرد در موقعیت اجتماعی** است. به عنوان مثال، روان‌شناس اجتماعی برای پی بردن به اینکه چرا افراد عمداً به فرد دیگری صدمه می‌زنند، بر فرآیندهای روان‌شناختی تمرکز می‌کند که پرخاشگری را در موقعیتهای خاصی برمی‌انگیزند. پرخاشگری تا چه اندازه از ناکامی نشأت می‌گیرد؟ آیا ناکامی همیشه عامل ایجاد پرخاشگری است؟ چنانچه افراد احساس ناکامی کنند، تحت چه شرایطی ناکامی خود را با انجام عمل پرخاشگرانه ابراز می‌کنند و تحت چه شرایطی خود را مهار می‌نمایند؟ سایر عوامل ایجاد پرخاشگری کدامند؟ (به فصل دوازدهم مراجعه کنید).

سایر **رشته‌های** علوم اجتماعی با عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی تأثیرگذار بر رویدادها بیشتر در ارتباط هستند. جامعه‌شناسی به جای تمرکز بر فرد، بر موضوعاتی نظیر طبقه اجتماعی، ساختار اجتماعی و مؤسسات اجتماعی

^۱ - neurotransmitter

متمرکز می‌شود. از آنجا که جامعه از مجموعه افراد تشکیل شده است، برخی همپوشی‌ها^۱ بین حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی وجود دارد. تفاوت عمده آنها این است که سطح تحلیل در جامعه‌شناسی، گروه، مؤسسه یا به طور کلی جامعه است. از زمانی که جامعه‌شناسان همانند روان‌شناسان اجتماعی به درک علل پرخاشگری علاقه‌مند شدند، احتمالاً علاقه بیشتری به درک این مطلب پیدا کردند که چرا جامعه خاصی (یا گروهی در یک جامعه) سطوح متفاوت خشونت را در اعضای خود برمی‌انگیزد. چرا میزان قتل در ایالات متحده بسیار بالاتر از کانادا یا اروپا است؟ چرا میزان قتل در برخی نواحی جغرافیایی ایالات متحده بالاتر است؟ تغییرات جامعه چه ارتباطی با تغییرات ایجاد شده در رفتار پرخاشگرانه دارد؟

روان‌شناسی اجتماعی از نظر سطح تحلیل و تبیین‌های ارائه شده با سایر علوم اجتماعی تفاوت دارد. هدف آن شناسایی خصوصیات فطری انسان است که تقریباً هر کسی را فارغ از طبقه اجتماعی یا فرهنگ در برابر نفوذ اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد. برای مثال، تصور می‌شود که قوانین حاکم بر رابطه میان ناکامی و پرخاشگری نه صرفاً در اعضای یک جنس، طبقه اجتماعی، فرهنگ و گروه سنی یا قومیت، بلکه در مورد اکثر افراد و در بیشتر مکانها صادق است. ترجمه تصویر صفحه ۸: در این عکس افراد می‌توانند از چشم‌اندازهای گوناگون مورد بررسی قرار گیرند: به عنوان افراد یا اعضای یک خانواده، طبقه اجتماعی، شغل، فرهنگ یا ناحیه. جامعه‌شناسان به مطالعه گروه یا مؤسسه و روان‌شناسان اجتماعی به بررسی تأثیر آن گروهها و مؤسسات بر رفتار فرد می‌پردازند.

از آنجا که روان‌شناسی اجتماعی علم جوان و نوپایی است که پیشرفت و توسعه عمده‌ای در ایالات متحده داشته است، بسیاری از یافته‌های آن هنوز هم در سایر فرهنگها مورد آزمون و بررسی قرار نگرفته‌اند و از این رو نمی‌توان گفت که جهان‌شمول هستند. به هر حال، هدف ما کشف این قوانین است. همچنان‌که روان‌شناسان اجتماعی اروپا، آسیا، آفریقا، خاورمیانه و آمریکای جنوبی از همان روشها و نظریه‌های مطرح شده توسط روان‌شناسان اجتماعی آمریکا استفاده می‌کنند، درباره میزان جهان‌شمول بودن این قوانین و نیز تفاوت‌های فرهنگی در نحوه بیان آنها بیشتر می‌آموزیم (به فصل دوم مراجعه کنید). از این رو، پژوهشهای میان‌فرهنگی^۲ از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردارند، چرا که با اثبات جهان‌شمول بودن نظریه‌ها و سوق دادن ما به کشف متغیرهای بیشتر که به بهبود، درک و پیش‌بینی ما از رفتار انسان کمک می‌کنند، به نظریه‌ها قوت می‌بخشند. نمونه‌های زیادی از پژوهشهای میان‌فرهنگی را در این کتاب مطرح خواهیم کرد.

خلاصه اینکه روان‌شناسی اجتماعی در حد فاصل رشته‌های مشابه خود، یعنی جامعه‌شناسی و روان‌شناسی شخصیت قرار می‌گیرد (به جدول ۱-۱ نگاه کنید). علاقه مشترک روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی، بررسی نحوه تأثیرگذاری موقعیت و جامعه برزگتر بر رفتار است. روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی شخصیت هر دو به روان‌شناسی فرد علاقه‌مندند. در عین حال، روان‌شناسان اجتماعی بر روی همپوشی میان این دو رشته علمی کار می‌کنند: آنها بر فرآیندهای روان‌شناختی مشترک میان اکثر افراد در سراسر دنیا که آنها را در برابر نفوذ اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد، تأکید می‌کنند.

1 - overlap

2 - cross-cultural research

جدول ۱-۱ روان‌شناسی اجتماعی در مقایسه با رشته‌های مرتبط با آن

جامعه‌شناسی	روان‌شناسی اجتماعی	روان‌شناسی شخصیت
مطالعه گروهها، سازمانها و جوامع به جای مطالعه فرد	مطالعه فرآیندهای روان‌شناختی مشترک افراد که آنها را در برابر نفوذ اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد.	مطالعه ویژگیهای شخصیتی که افراد را منحصر به فرد و متمایز از سایرین می‌سازد.

سؤالات مروری

۱. یک روان‌شناس اجتماعی با توجه به کدام یک از موارد زیر به تبیین رفتار خشونت‌آمیز مرد جوان می‌پردازد؟

الف) صفات شخصیتی پرخاشگرانه او

ب) نقش احتمالی وراثت

ج) نحوه رفتار کردن گروه همسالان وی

د) آنچه پدرش به وی آموخته است

۲. موضوع بسیار مورد علاقه روان‌شناس اجتماعی کدام است؟

الف) نحوه تأثیرگذاری سطح برون‌گرایی رؤسای جمهور گوناگون بر تصمیم‌گیریهای آنان.

ب) تأثیر واکنش دوستان فردی که قصد تقلب کردن در امتحان را دارد بر تصمیم‌گیری وی برای تقلب کردن.

ج) میزان پیش‌بینی درآمد فرد توسط طبقه اجتماعی که به آن تعلق دارد.

د) نحوه تفکر عابران پیاده درباره گرمایش جهانی!

۳. روان‌شناسی اجتماعی با روان‌شناسی شخصیت چه تفاوتی دارد؟

الف) روان‌شناسی اجتماعی بر تفاوت‌های فردی و روان‌شناسی شخصیت بر نحوه رفتار فرد در موقعیتهای اجتماعی تمرکز می‌کند.

ب) روان‌شناسی اجتماعی بر فرآیندهای مشترکی تمرکز می‌کند که افراد را در برابر نفوذ اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازند، در حالی که روان‌شناسی شخصیت بر تفاوت‌های فردی متمرکز می‌شود.

ج) روان‌شناسی اجتماعی به ارائه قوانین کلی و نظریه‌هایی درباره جوامع می‌پردازد، در حالی که روان‌شناسی شخصیت به مطالعه ویژگیهای شخصیتی می‌پردازد که فرد را یگانه و منحصر به فرد می‌سازند.

د) روان‌شناسی اجتماعی بر تفاوت‌های فردی تمرکز می‌کند، در حالی که روان‌شناسی شخصیت به ارائه قوانین کلی و نظریه‌هایی درباره جوامع می‌پردازد.

۴. سطح تحلیل برای روان‌شناس اجتماعی کدام است؟

¹ - global warming

الف) فرد در بافت موقعیت اجتماعی

ب) موقعیت اجتماعی

ج) سطح پیشرفت فرد

د) سطح استدلال فرد

۵. کدام یک از موضوعات پژوهشی زیر درباره خشونت می تواند توسط روان شناس اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد؟

الف) چگونه میزان خشونت در یک فرهنگ با گذشت زمان تغییر می کند.

ب) چرا میزان قتل در فرهنگهای گوناگون تغییر می کند.

ج) بررسی ناهنجاریهای مغز که هنگام برانگیخته شدن فرد موجب ایجاد پرخاشگری می شوند.

د) چرا برخی موقعیتهای پرخاشگری را بیشتر برمی انگیزند.

پاسخنامه

سؤال ۱	ج
سؤال ۲	ب
سؤال ۳	ب
سؤال ۴	الف
سؤال ۵	د

قدرت موقعیت

۲,۱. چرا نحوه تبیین و تفسیر افراد از رویدادها و رفتار خود و سایرین اهمیت دارد؟

فرض کنید که برای خوردن چای و کیک در رستوران کنار جاده توقف می کنید. پیشخدمت رستوران برمی گردد تا سفارش شما را بگیرد، اما تصمیم گیری برای انتخاب نوع کیک که می خواهید، برایتان دشوار است. در حالی که مردد هستید، او با بی حوصلگی خودکارش را روی دفترچه یادداشت می کوبد، چشمهای خود را به سمت سقف رستوران می گرداند، به شما اخم می کند و بالأخره فریاد می زند که: «هی، می دانی، نمی توانم تمام روز صبر کنم!». شما همانند اکثر افراد احتمالاً فکر می کنید که وی آدم بیخود یا بی ادبی است.

تصور کنید که تصمیم می گیرید از وی به رئیسش شکایت کنید اما یک مشتری دائمی رستوران به شما می گوید: پیشخدمت «بد اخلاق» یک مادر تنها است که به خاطر بیماری کودک **حردسالش کل دیشب را بیدار** بوده است، در راه آمدن به محل کار اتومبیلش خراب شده و نمی داند که هزینه تعمیر آن را از کجا بیاورد، هنگام ورود به رستوران فهمیده است که همکارش به خاطر مصرف زیاد الکل سر کار حاضر نشده است و وی مجبور است به همه میزهای رستوران

رسیدگی کند و به علت آنکه نمی‌تواند سفارشات را به موقع به آشپزخانه برساند، آشپز سر او داد می‌زند. با دریافت اطلاعات فوق، درمی‌یابید که او فرد بی‌ادبی نیست، بلکه یک آدم معمولی است که تحت فشار زیادی قرار دارد. این داستان کوتاه، دلالت‌های ضمنی مهمی در پی دارد. اکثر آمریکایی‌ها رفتار فرد را بر اساس شخصیت وی تبیین می‌کنند، یعنی به جای توجه به موقعیت فرد بر روی خود او تمرکز می‌کنند. واقعیت این است که هنگام احساس همدلی و بردباری و یا بی‌حوصلگی و خشم نمی‌توانند دریابند که موقعیت اثر شگرفی بر نحوه برقراری ارتباط میان انسانها دارد (همانند آنچه که در مورد پیشخدمت اتفاق افتاد).

اهمیت تبیین

روانشناس اجتماعی در برابر مانع عظیمی موسوم به **خطای بنیادین اسناد**^۱ قرار دارد. خطای بنیادین اسناد عبارت است از تمایل به تبیین رفتار خودمان یا سایرین بر اساس صفات شخصیتی و دست کم گرفتن قدرت نفوذ اجتماعی و موقعیت بلاواسطه. از آنجا که شما در سرتاسر کتاب با این پدیده مواجه خواهید شد، قصد داریم اصول اولیه و مبانی آن را در اینجا به شما ارائه دهیم. درک این موضوع که شخصیت افراد علت ایجاد رفتار نیست، بلکه رفتار حاصل موقعیتی است که در آن حضور دارند، در روان‌شناسی اجتماعی حائز اهمیت است.

خطای بنیادین اسناد. عبارت است از تمایل به برآورد بیش از حد میزان نشأت گرفتن رفتار از عوامل درونی و خصلتی و دست کم گرفتن نقش عوامل محیطی.

تبیین رفتار بر اساس شخصیت می‌تواند به ما حس امنیت کاذب بدهد. زمانی که افراد تلاش می‌کنند تا به تبیین رفتار نفرت‌انگیز یا عجیب و غریب بمب‌گذاران انتحاری یا افرادی که در جانستون جان خود و فرزندانشان را گرفتند، بپردازند، برایشان وسوسه‌انگیزتر و آسان‌تر خواهد بود که قربانیان را انسانهایی ناقص‌العقل بدانند. به این ترتیب، احساس می‌کنند که این مسئله برای خود آنها روی نخواهد داد. جالب آنکه این شیوه تفکر، آسیب‌پذیری ما را در برابر نفوذ اجتماعی مخرب افزایش می‌دهد. به علاوه، نداشتن درک کاملی از قدرت موقعیت موجب می‌شود که نگاه ساده‌انگارانه‌ای به مسئله بیندازیم و قربانیان را در موقعیتهایی نظیر فاجعه جانستون که مقاومت کردن برای اکثر ما و افرادی که مغلوب نیروهای اجتماعی شده‌اند بسیار دشوار است، سرزنش کنیم.

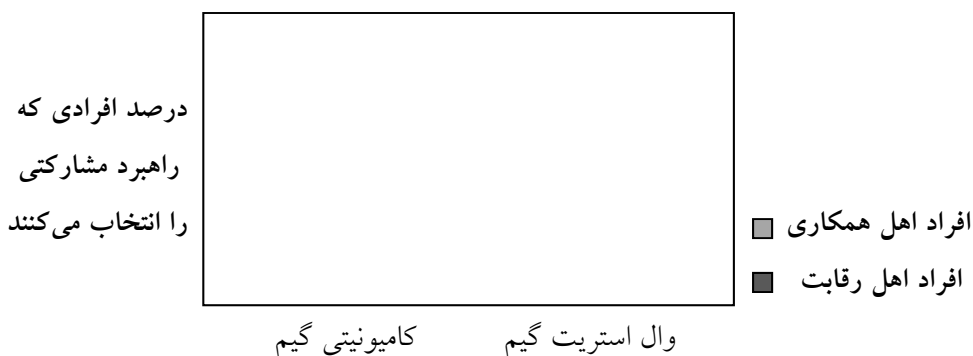
برای ارائه یک مثال معمولی‌تر، موقعیتی را تصور کنید که در آن دو نفر مشغول انجام یک بازی هستند و باید یکی از این دو راهبرد را انتخاب کنند: آنها می‌توانند بازی رقابتی انجام دهند و برای بردن پول بیشتر تلاش کنند و به رقیب خود

^۱ - fundamental attribution error

اطمینان دهند که پول زیادی را خواهد باخت یا بازی مشارکتی انجام دهند و تلاش کنند تا مطمئن شوند که هر دو مقداری پول خواهند برد. فکر می‌کنید که هر یک از دوستانتان کدام یک از این بازیها را انجام خواهند داد؟

پاسخ دادن به این پرسش برای تعداد کمی از افراد دشوار است. همه ما رقابت نسبی دوستانمان را حس می‌کنیم. بنابراین، ممکن است بگویید که: «مطمئنم دوستم جنیفر که مدیر بازرگانی سخت‌کوشی است، این بازی را رقابتی‌تر از دوستم آنا که فردی سخاوتمند و رئوف است، انجام می‌دهد». اما چه قدر درست گفته‌اید؟ آیا باید به جای فکر کردن درباره کسی که قرار است بازی کند، به خود بازی بیندیشید؟

برای بررسی این موضوع، لی راس^۱ و دانشجویانش آزمایش زیر را انجام دادند (لیبرمن، ساموئلز و راس^۲، ۲۰۰۴). آنها بازی را در خوابگاه دانشجویی برای مسئولان خوابگاه^۳ (RAS) شرح دادند و از آنها خواستند تا فهرستی از دانشجویان را ارائه دهند که تصور می‌کنند اهل همکاری یا رقابت هستند. همان‌طور که انتظار می‌رفت، مسئولان خوابگاه دانشجویان متناسب با هر گروه را به آسانی مشخص کردند. پس از آن، راس از این دانشجویان برای انجام بازی در آزمایش روان‌شناسی دعوت کرد. دستکاری انجام شده در آزمایش این بود که پژوهشگران یک جنبه ظاهراً پیش پا افتاده موقعیت اجتماعی را تغییر دادند که همانا نام بازی بود. آنها به نیمی از آزمودنیها گفتند که وال استریت گیم^۴ و به نیمی دیگر اعلام کردند که کامیونیتی گیم^۵ را بازی خواهند کرد. سایر شرایط بازی برای هر دو گروه یکسان بود. بنابراین، افرادی که به عنوان اهل رقابت یا همکاری مورد قضاوت قرار گرفتند و بازیهای موسوم به وال استریت گیم یا کامیونیتی گیم را انجام دادند، چهار وضعیت را حاصل نمودند: افراد اهل رقابت که وال استریت گیم را بازی کردند، افراد اهل رقابت که کامیونیتی گیم را بازی کردند، افراد اهل همکاری که وال استریت گیم را بازی کردند و افراد اهل همکاری که کامیونیتی گیم را بازی کردند.



شکل ۱-۱ چرا نام بازی اهمیت دارد

¹ - Lee Ross

² - Liberman, Samuels & Ross

³ - resident assistants

⁴ - Wall Street Game

⁵ - Community Game

در این آزمایش زمانی که نام بازی «کامیونیتی گیم» بود، در مقایسه با زمانی که نام بازی «وال استریت گیم» بود، بازیکنان علی‌رغم صفات شخصیتی اهل همکاری یا اهل رقابت خود، احتمالاً بیشتر رفتار مشارکتی نشان می‌دادند. عنوان و نام بازی موجب انتقال هنجارهای اجتماعی می‌شد که بر شخصیت پیشی می‌گیرند و رفتار فرد را شکل می‌دهند (اقتباس از لیبرمن، ساموئلز و راس، ۲۰۰۴). اکثر ما زندگی را با این تصور سپری می‌کنیم که آنچه واقعاً اهمیت دارد، شخصیت فرد است، نه موقعیت بلاواسطه او و چیز کم‌اهمیتی مانند نام بازی، درست است؟ عجله نکنید! همان‌طور که در شکل ۱-۱ می‌بینید، نام بازی موجب ایجاد تفاوت بسیار زیادی در نحوه رفتار کردن افراد شد. هنگامی که بازی وال استریت گیم نامگذاری شد، حدود دوسوم دانشجویان به شکلی رقابتی پاسخ دادند و زمانی که نام بازی کامیونیتی گیم بود، تنها یک‌سوم آنها رقابتی عمل کردند. نام بازی پیام نیرومندی را درباره نحوه رفتار کردن بازیکنان انتقال داد، اما صفت شخصیتی منتسب به دانشجو هیچ تفاوت قابل اندازه‌گیری را در رفتار او ایجاد نکرد. دانشجویانی که اهل رقابت نامگذاری شدند، راهبردهای رقابتی را بیش از آنهایی که اهل همکاری نامگذاری شدند، اتخاذ نمی‌کردند. این الگوی نتایج را در کل کتاب مشاهده خواهیم کرد: وجوه کم‌اهمیت موقعیت اجتماعی می‌توانند تفاوت‌های موجود در شخصیت افراد را بپوشانند (راس و وارد، ۱۹۹۶).

اگر اختصاص نام به بازی تأثیر مهمی بر رفتار بازیکنان داشته باشد، درباره تأثیر تغییر جو کلاس درس بر نشان دادن ماهیت بازی در حال انجام چه فکری می‌کنید؟ فرض کنید که معلم تاریخ پایه هفتم هستید. در یکی از کلاسهایتان یک مهارت یادگیری را طراحی می‌کنید که شبیه موقعیتی باشد که بازی وال استریت گیم در آن انجام می‌شود. شما رقابت را برمی‌انگیزید، به دانش‌آموزان می‌گویید که دست خود را حتی‌الامکان به سرعت بلند کنند و پاسخهای نادرست ارائه شده توسط دانش‌آموزان دیگر را مسخره کنند. در کلاس دیگری، موقعیت یادگیری را به این صورت طرح‌ریزی می‌کنید که به دانش‌آموزان در قبال همکاری کردن با یکدیگر، خوب گوش دادن و تشویق کردن یکدیگر و همکاری با هم برای یادگیری موضوعات درسی پاداش می‌دهید. درباره تأثیر این موقعیتهای گوناگون بر عملکرد دانش‌آموزان، رضایتمندی آنها از مدرسه و احساساتشان درباره یکدیگر چه فکری می‌کنید؟ این آزمایش در فصول دوازدهم و سیزدهم مورد بحث قرار خواهد گرفت (آرونسون و پاتنوه، ۲۰۱۱).

تفاوت‌های شخصیتی وجود دارند و از اهمیت زیادی برخوردارند، اما موقعیتهای محیطی و اجتماعی قدرت زیادی دارند، چرا که اثرات چشمگیری بر تقریباً همگان می‌گذارند. این، حوزه فعالیت روان‌شناس اجتماعی است.

اهمیت تفسیر

اگر بگوییم که موقعیت اجتماعی اثرات چشمگیری بر رفتار انسان دارد، آن را چگونه معنی می‌کنیم؟ یک راهبرد برای تعریف کردن آن، مشخص نمودن ویژگیهای عینی موقعیت، نظیر چگونگی پاداش دادن به افراد و تعیین کردن رفتارهایی است که از این ویژگیهای عینی تبعیت می‌کنند.

¹ - Ross & Ward

² - Aronson & Patnoe

این، رویکرد اتخاذ شده توسط رفتارگرایی است. رفتارگرایی^۱ که یکی از مکاتب روان‌شناسی است اعتقاد دارد که درک رفتار انسان نیازمند در نظر گرفتن ویژگیهای تقویت‌کننده محیط است: هنگامی که رفتار تقویت شود (مثلاً پول، توجه، تحسین یا مزایای دیگر)، احتمالاً تداوم پیدا می‌کند و هنگامی که رفتار تنبیه شود (مثلاً درد، خسارت، فریادهای خشمگینانه)، احتمالاً خاموش می‌شود. سگها زمانی که آنها را صدا می‌زنیم به سمت ما می‌آیند، زیرا آموخته‌اند که تقویت مثبت (مثلاً غذا یا نوازش) به دنبال اطاعت کردن آنها ارائه می‌شود. کودکان عمل جدول ضرب را هنگامی به سرعت فرا می‌گیرند که آنها را پس از ارائه پاسخ صحیح تحسین می‌کنیم، به آنها لبخند می‌زنیم و به پیشانی آنها ستاره طلایی می‌چسبانیم. روان‌شناسان رفتاری، به ویژه رفتارگرایی پیشگام، بی. اف. اسکینر^۲ (۱۹۳۸) معتقدند که کل رفتار با بررسی پاداشها و تنبیه‌های ارائه شده در محیطی که موجود زنده در آن زندگی می‌کند، درک و فهمیده می‌شود.

رفتارگرایی نقاط قوت زیادی دارد و اصول و قوانین آن برخی رفتارها را به خوبی تبیین می‌کنند (به فصل دهم مراجعه کنید). از آنجا که اولین رفتارگرایان به شناخت، تفکر و احساس (مفاهیمی که آنها را خیلی مبهم و ذهنی می‌دانستند و میان آنها و رفتار قابل مشاهده ارتباط خیلی محکمی نمی‌دیدند) توجهی نمی‌کردند، پدیده‌هایی را نادیده می‌گرفتند که برای تجربه اجتماعی انسان حیاتی و مهم بودند. آنها به ویژه اهمیت نحوه تفسیر محیط توسط افراد را نادیده می‌گرفتند.

رابطه میان فرد و محیط اجتماعی از نظر روان‌شناسان اجتماعی یک جاده دوطرفه است. علاوه بر آنکه موقعیت، رفتار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، رفتار افراد به تفسیر یا برداشت^۳ آنها از محیط اجتماعی بستگی دارد (گریفین و راس^۴، ۱۹۹۱؛ راس و نیزبت، ۱۹۹۱). برای مثال، اگر فردی به شما نزدیک شود، به پشتتان بزند و از شما بپرسد که چه احساسی دارید، پاسختان به نحوه تفسیر شما از رفتار وی بستگی دارد نه به کاری که انجام داده است. شما بسته به اینکه این اعمال از جانب یک دوست صمیمی که نگران سلامتی شماست، یک آشنای خودمانی که می‌خواهد وقت بگذراند یا فروشنده اتومبیل که با هدف فروش یک اتومبیل دست دوم قصد خودشیرینی کردن دارد، انجام شده است، ممکن است آنها را به شکل متفاوتی تفسیر کنید. حتی اگر پرسشهای یکسان درباره وضعیت سلامتتان با آهنگ صدای مشابهی مطرح شوند، پاسخ شما باز هم متفاوت خواهد بود. احتمالاً به فروشنده اتومبیل نخواهید گفت: «از این درد کلیه واقعاً احساس ناراحتی می‌کنم»، اما به احتمال زیاد به دوست صمیمی خود خواهید گفت.

تأکید بر برداشت ریشه در رویکردی موسوم به روان‌شناسی گشتالت^۵ دارد. روان‌شناسی گشتالت به عنوان اولین نظریه مطرح درباره نحوه ادراک افراد از دنیای مادی، معتقد است که به جای مطالعه شیوه‌ای که در آن ویژگیهای عینی و مادی شیء ترکیب می‌شوند باید به مطالعه شیوه ذهنی پردازیم که در آن یک شیء در ذهن افراد پدیدار می‌شود (گشتالت یا کل). برای مثال، یک راه برای فهم نحوه ادراک افراد از تصویر کلی نقاشی می‌تواند تجزیه آن به تک‌تک اجزای تشکیل‌دهنده‌اش باشد، مثلاً مقادیر دقیق رنگهای اصلی به کار رفته در اجزای گوناگون نقاشی ترسیم شده روی بوم، انواع

1 - behaviorism

2 - B. F. Skinner

3 - construal

4 - Griffin & Ross

5 - Gestalt psychology

ضربه‌های قلم‌مو برای ایجاد رنگها و خَلق اشکال هندسی گوناگون. با این حال، به عقیده روان‌شناسان گشتالت، فهم نحوه ادراک کردن یک شیء تنها با مطالعه این بلوکهای سازنده ادراک امکان‌پذیر نیست. کل با مجموع اجزای تشکیل‌دهنده خود متفاوت است. فرد باید به جای تمرکز بر اجزای عینی آن شیء، بر پدیدارشناسی^۱ شخص ادراک‌کننده (شیء برای او چگونه به نظر می‌رسد) تمرکز نماید.

رفتارگرایی. مکتب روان‌شناسی که معتقد است برای درک رفتار انسان تنها باید به ویژگیهای تقویت‌کننده محیط توجه کرد.

برداشت. عبارت است از شیوه ادراک، دریافت و تفسیر دنیای اجتماعی توسط افراد.

روان‌شناسی گشتالت. مکتب روان‌شناسی که بر اهمیت مطالعه روش ذهنی تأکید می‌کند که در آن به جای در نظر گرفتن ویژگیهای عینی و مادی شیء، آن شیء در ذهن افراد پدیدار می‌شود.

رویکرد گشتالت در نیمه اول قرن بیستم توسط روان‌شناسان آلمانی پایه‌گذاری شد. در اواخر دهه ۱۹۳۰، چند تن از این روان‌شناسان برای فرار از دست حکومت نازی به ایالات متحده گریختند. یکی از این مهاجران کورت لوین^۲ بود که به عنوان پدر روان‌شناسی اجتماعی آزمایشی^۳ نوین شناخته می‌شود. لوین به عنوان استاد جوان آلمانی یهودی‌تبار در دهه ۱۹۳۰، یهودستیزی حاکم در آلمان نازی را تجربه کرد. تفکر وی تحت تأثیر عمیق این تجربه قرار گرفت و هنگامی که به ایالات متحده عزیمت کرد، به شکل‌گیری روان‌شناسی اجتماعی در آمریکا کمک شایانی نمود و علاقه روان‌شناسان را به کشف علل و راههای کاهش پیش‌داوری^۴ و کلیشه‌های قومی^۵ جلب نمود.

لوین به عنوان یک نظریه‌پرداز، برای بکارگیری اصول و قوانین گشتالت فراتر از ادراک اشیا به ادراک اجتماعی گام مؤثری برداشت. او معتقد بود که به جای درک ویژگیهای عینی دنیای اجتماعی مهم‌تر است دریابیم که افراد چگونه آن را ادراک، دریافت و تفسیر می‌کنند (لوین، ۱۹۴۳). او می‌گفت: «اگر یک فرد به این امید در اتاق بنشیند که سقف روی سرش

^۱ - phenomenology

^۲ - Kurt Lewin

^۳ - experimental social psychology

^۴ - prejudice

^۵ - ethnic stereotyping

خراب نمی‌شود، آیا صرفاً احتمال ذهنی وی برای پیش‌بینی رفتار در نظر گرفته می‌شود یا باید احتمال عینی فرو ریختن سقف را ناشی از عملکرد مهندسان بدانیم؟ به عقیده من، مورد اول باید مد نظر قرار گیرد».

روانشناسان اجتماعی بتدریج بر اهمیت نحوه تعبیر و تفسیر افراد از محیط پیرامونشان تمرکز کردند. فریتز هایدرا^۱ به عنوان یکی از اولین بنیانگذاران روان‌شناسی اجتماعی معتقد بود که: «به طور کلی، یک فرد به آنچه که تصور می‌کند دیگری ادراک، احساس، تفکر و احتمالاً عمل می‌کند، واکنش نشان می‌دهد». ما همواره سرگرم حدس زدن درباره وضع روانی، انگیزه‌ها و افکار سایرین هستیم. ممکن است درست حدس بزنیم، اما اغلب اشتباه می‌کنیم.

ترجمه تصاویر صفحه ۱۳: کورت لوین (۱۸۹۰-۱۹۴۷) فریتز هایدرا (۱۸۹۶-۱۹۸۸)

این موضوع نشان می‌دهد که چرا برداشت، دلالت‌های ضمنی مهمی دارد. در یک دادگاه بررسی قتل، زمانی که دادستان شواهد قانع‌کننده‌ای را ارائه می‌دهد که گناهکار بودن متهم را اثبات کند، رأی نهایی هیئت منصفه بستگی به آن دارد که هر عضو هیئت منصفه شواهد را چگونه تفسیر کرده است. این برداشتها بر اساس رویدادها و ادراکات گوناگون انجام می‌شوند که اغلب ارتباط عینی با مورد مذکور ندارند. آیا در طول بازجویی، شاهد اصلی به عنوان فردی خشک یا مغرور ادراک می‌شود؟ آیا دادستان فردی خودبین، منفور یا دمدمی به نظر می‌رسد؟

نوع خاصی از برداشت چیزی است که لی راس آن را «واقع‌نگری خام^۲» نامید، یعنی اعتقاد به اینکه پدیده‌ها را «آن‌طور که واقعاً هستند» ادراک می‌کنیم. بنابراین، اگر سایرین چیزهای یکسان و مشابه را به شکل متفاوتی ببینند، علت می‌تواند این باشد که دچار سوگیری^۳ شده‌اند (ارلینگر، گیلوویچ و راس^۴، ۲۰۰۵؛ پرونین^۵، گیلوویچ و راس، ۲۰۰۴؛ راس، ۲۰۱۰). راس با مذاکره‌کنندگان فلسطینی و اسرائیلی برخورد نزدیکی داشت. این مذاکره‌کنندگان به علت واقع‌نگری خام دائماً شکست می‌خوردند؛ هر یک از طرفین تصور می‌کرد که افراد منطقی به مسائل به همان شکلی می‌نگرند که آنها می‌بینند. راس می‌گوید: «حتی زمانی که هر یک از طرفین درمی‌یابند که طرف مقابل موضوعات را به شکل متفاوتی ادراک کرده است، تصور می‌کنند که دچار سوگیری شده است، در حالی که بر این باورند خودشان عینی‌تر عمل می‌کنند و ادراکشان از واقعیت باید مبنای توافق قرار گیرد. بنابراین، هر دو طرف در برابر سازش و توافق مقاومت می‌کنند و از اینکه حریف مُعرض آنها بیش از خودشان منتفع گردد، بیم دارند».

راس در یک آزمایش ساده، طرح‌های صلح ارائه شده توسط مذاکره‌کنندگان اسرائیلی را به طرح‌های فلسطینی تغییر نام داد و از شهروندان اسرائیلی خواست که درباره آنها قضاوت کنند. اسرائیلی‌ها از طرح فلسطینی منتسب به اسرائیل بیش از طرح اسرائیلی منتسب به فلسطینی‌ها استقبال کردند. راس این‌طور نتیجه گرفت که «اگر طرح پیشنهادی شما هنگامی که از جانب طرف مقابل مطرح می‌شود، برایتان جذابیت ندارد، چه شانس وجود دارد که طرح پیشنهادی طرف مقابل

¹ - Fritz Heider

² - naïve realism

³ - bias

⁴ - Ehrlinger, Gilovich & Ross

⁵ - Pronin

هنگامی که از جانب او مطرح می‌شود، برایتان جذاب باشد؟». به امید آنکه با آگاهی کامل مذاکره‌کنندگان هر دو طرف از این پدیده و چگونگی ممانعت آن از حل مناقشه، سازش منطقی امکان‌پذیرتر شود.

ترجمه تصویر صفحه ۱۴: نتایج پژوهشهای انجام شده توسط روان‌شناسان اجتماعی بر روی برداشت بیانگر علت دشوار بودن مذاکره میان ملل است: هر طرف فکر می‌کند که موضوعات را به وضوح می‌بیند، اما طرف مقابل «دچار سوگیری» شده است. شما می‌توانید ببینید که دامنه برداشتها از ساده (مثلاً در پرسش «چه احساسی دارید؟») تا فوق‌العاده پیچیده (مذاکرات بین‌المللی) در نوسان است و همه ما را در زندگی روزمره تحت تأثیر قرار می‌دهد. تصور کنید که جیسون^۱ دانشجوی کالج است که از ماریا^۲ خوشش می‌آید. کار شما به عنوان یک روان‌شناس اجتماعی جوان، پیش‌بینی این موضوع است که آیا جیسون، ماریا را به شام دعوت می‌کند یا خیر؟ بدین منظور، باید رفتار ماریا را از دید جیسون ببینید - به این معنی که دریابید جیسون چگونه رفتار ماریا را تفسیر می‌کند. اگر ماریا به جیسون لبخند بزند، آیا جیسون رفتار وی را صرفاً ناشی از ادب او می‌داند (ادبی که در قبال هر یک از همکلاسی‌های خود به خرج می‌دهد)؟ یا لبخند او را نشانه متقاعدکننده‌ای می‌بیند که وی (جیسون) را برای دعوت کردنش برمی‌انگیزد؟ اگر ماریا به جیسون توجهی نکند، آیا جیسون تصور می‌کند که او ادا درمی‌آورد یا آن را نشانه بی‌علاقگی وی در نظر می‌گیرد؟ برای پیش‌بینی آنچه که جیسون انجام خواهد داد، تشخیص دادن رفتار ماریا کافی نیست. باید بدانیم که جیسون چگونه رفتار او را تفسیر می‌کند.

سؤالات مروری

۱. بهترین تعریف خطای بنیادین اسناد عبارت است از تمایل به

- الف) تبیین رفتار خود و سایرین بر اساس صفات شخصیتی و دست کم گرفتن قدرت نفوذ اجتماعی.
- ب) تبیین رفتار خود و سایرین بر اساس موقعیت اجتماعی و دست کم گرفتن قدرت عوامل شخصیتی.
- ج) باور به اینکه عضویت در گروه بیش از شخصیت بر رفتار تأثیر می‌گذارد.
- د) باور به اینکه شخصیت بیش از عضویت در گروه بر رفتار تأثیر می‌گذارد.

۲. وال استریت گیم درباره شخصیت و موقعیت چه چیزی را مشخص می‌سازد؟

- الف) افراد اهل رقابت به شدت رقابت می‌کنند و نام بازی برایشان مهم نیست.
- ب) افراد اهل همکاری سخت تلاش می‌کنند تا حریفان اهل رقابت خود را برای همکاری کردن برانگیزند.
- ج) نام بازی تفاوتی را در نحوه بازی کردن افراد ایجاد نمی‌کند.
- د) نام بازی بر روی نحوه بازی کردن افراد به شدت تأثیر می‌گذارد.

1 - Jason

2 - Maria

۳. فرد غریبه‌ای در محوطه دانشگاه به امیلی^۱ نزدیک می‌شود و می‌گوید که یک عکاس حرفه‌ای است. او از امیلی می‌خواهد که پس از اتمام جلسه انجمن دانشجویی ۱۵ دقیقه از وقت خود را صرف ژست گرفتن در عکسهای وی کند. به عقیده روان‌شناسان اجتماعی، تصمیم امیلی به کدام گزینه زیر وابسته است؟

(الف) مرد مورد نظر چه قدر شیک‌پوش است.

(ب) آیا مرد مورد نظر به او پیشنهاد پول می‌دهد.

(ج) امیلی چگونه موقعیت را تفسیر می‌کند.

(د) آیا مرد مورد نظر سابقه کیفری دارد.

۴. روان‌شناسی اجتماعی از کدام گزینه زیر نشأت گرفته است؟

(الف) روان‌شناسی گشتالت

(ب) روان‌شناسی فرویدی

(ج) روان‌شناسی رفتاری

(د) روان‌شناسی زیستی

۵. «واقع‌نگری خام» به این موقعیت اشاره دارد که

(الف) اکثر افراد درباره روان‌شناسی هیچ چیزی نمی‌دانند و از آن بی‌اطلاع هستند.

(ب) افراد کمی واقع‌بین هستند.

(ج) اکثر افراد بیش از آنکه دقیق باشند، خام هستند.

(د) اکثر افراد معتقدند که می‌توانند مسائل را به دقت ادراک کنند.

پاسخنامه

سؤال ۱ الف

سؤال ۲ د

سؤال ۳ ج

سؤال ۴ الف

سؤال ۵ د

برداشتها از کجا می‌آیند: انگیزه‌های اساسی انسان

۳,۱. هنگامی که نیاز افراد به احساس رضایتمندی از خود در تعارض با نیاز آنها به دقیق بودن قرار می‌گیرد، چه اتفاقی می‌افتد؟

^۱ - Emily

اگر این موضوع که موقعیتهای ذهنی و نه عینی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند درست باشد، باید دریابیم که افراد چگونه به برداشتهای ذهنی از دنیا نائل می‌شوند. آنها هنگام تفسیر دنیای اجتماعی چه قدر تلاش می‌کنند؟ آیا به تفسیری علاقه دارند که چهره مثبتی از آنها ارائه دهد (مثلاً تصمیم جیسون درباره اینکه «ماریا به من توجهی نمی‌کند فقط برای اینکه حسادت مرا برانگیزد») یا دقیق‌ترین تفسیر را ولو ناخوشایند باشد، انجام می‌دهند (مثلاً «برایم دردناک است، اما باید بپذیرم که او ترجیح می‌دهد با هر موجودی غیر از من بیرون برود»)? به طور کلی، روان‌شناسان اجتماعی در صددند به قوانین بنیادی طبیعت انسان پی ببرند که می‌توانند علت برداشت او از دنیای اجتماعی را تبیین کنند.

ما انسانها، موجودات پیچیده‌ای هستیم. **انگیزه‌های مختلف** در هر زمان زمینه‌ساز افکار و رفتارهای ما، از جمله گرسنگی، تشنگی، ترس، میل به کنترل و پایبندی به عشق، محبت‌ها و سایر پاداشها هستند (به فصول دهم و یازدهم مراجعه کنید). روان‌شناسان اجتماعی بر اهمیت دو انگیزه اساسی تأکید می‌کنند: *نیاز به رضایتمندی از خود*^۱ و *نیاز به دقتی بودن*^۲. این انگیزه‌ها گاهی ما را به یک جهت واحد و گاهی به جهات مخالف سوق می‌دهند تا دنیا را به دقت ادراک کنیم و این امر مستلزم آن است که بپذیریم ما ابلهانه و غیراخلاقی رفتار می‌کنیم.

لئون فستینگر^۳ به عنوان یکی از مبتکرترین نظریه‌پردازان روان‌شناسی اجتماعی، دریافت که هنگامی که این دو انگیزه در جهات مخالف حرکت می‌کنند، می‌توانیم ارزشمندترین بینشهای خود را درباره نحوه کارکرد ذهنمان کسب کنیم. تصور کنید که رئیس جمهور ایالات متحده هستید و کشورتان درگیر مشکلی به نام جنگ پرهزینه شده است. شما صدها میلیارد دلار را صرف این جنگ می‌کنید و جان دهها هزار آمریکایی و نیز هزاران غیرنظامی بی‌گناه را می‌گیرید. جنگ ظاهراً در بن‌بست افتاده و هیچ پایانی ندارد. شما به علت تعارضی که احساس می‌کنید، بارها و بارها نیمه شب در حالی که خیس عرق شده‌اید از خواب می‌پرید. علت تعارض ایجاد شده این است که از یک طرف کشتار در حال وقوع را محکوم می‌کنید و از طرف دیگر نمی‌خواهید نامتان به عنوان اولین رئیس جمهور آمریکا که جنگ را باخته است، در تاریخ ثبت شود.

برخی از مشاورانتان به شما می‌گویند که بسیار امیدوارند و اگر بمباران را تشدید کنید یا هزاران نفر به تعداد سربازان بیفزایید، دشمن تسلیم می‌شود و جنگ به پایان می‌رسد. این برای شما یک دستاورد عظیم خواهد بود: علاوه بر آنکه در تحقق اهداف نظامی و سیاسی خود موفق شده‌اید، تاریخ از شما به عنوان یک رهبر بزرگ یاد خواهد کرد. با این حال، سایر مشاورانتان بر این باورند که تشدید بمباران صرفاً اراده دشمن را تقویت می‌کند و توصیه می‌کنند که درخواست صلح کنید.

ترجمه تصویر صفحه ۱۵: لئون فستینگر (۱۹۸۹-۱۹۱۹) نوشت: «اگر دنیای تجربی پیچیده و بغرنج به نظر می‌رسد، اگر افراد به طور شگفت‌آوری به نیروهای یکسان واکنشهای متفاوت نشان می‌دهند و اگر نمی‌توانم عملکرد پویشهای^۴ جهان‌شمول زیربنایی را ببینم، تقصیر من است. من پرسشهای نادرستی را پرسیده‌ام و دنیا را در سطح نظری به اشتباه تکه پاره کرده‌ام. پویشهای

¹ - the need to feel good about ourselves

² - the need to be accurate

³ - Leon Festinger

⁴ - dynamics

زیربنایی اینجا هستند و من باید ابزاری نظری را بیایم که مرا قادر می‌سازد این یکپارچگی را نشان دهم». هدف روان‌شناسی اجتماعی، کشف و تشریح این پویسهای زیربنایی است.

شما احتمالاً توصیه کدامیک از مشاوران را می‌پذیرید؟ رئیس جمهور لیندن جانسون^۱ هنگام جنگ ویتنام در دهه ۱۹۶۰، جرج دابلیو بوش^۲ در سال ۲۰۰۳ هنگامی که جنگ عراق در شش سالی که وی پیش‌بینی کرده بود به پایان نرسید یا باراک اوباما^۳ که در سال ۲۰۰۹ سربازان بیشتری را برای جنگ در افغانستان روانه نمود، با این تنگنای^۴ واقعی مواجه شدند (به فصل ششم مراجعه کنید). اکثر رؤسای جمهور توصیه مشاوران به تشدید جنگ را پذیرفتند، زیرا اگر در جنگ پیروز می‌شدند، این پیروزی هزینه‌های انسانی و مالی را توجیه می‌کرد؛ اما عقب‌نشینی علاوه بر آنکه به معنای ثبت شدن نام آنها در تاریخ به عنوان رئیس جمهوری بود که جنگ را باخته است، این واقعیت را توجیه می‌کرد که کل پول و نیروی انسانی هزینه شده در جنگ بیهوده بوده است. همان‌طور که می‌بینید، نیاز به احساس رضایتمندی از تصمیمهای شخصی در مقابل نیاز به دقتی بودن قرار می‌گیرد و این دو نیاز می‌توانند پیامدهای اسفباری داشته باشند (دراپر^۵، ۲۰۰۸؛ مک‌کللند^۶، ۲۰۰۸؛ وودوارد^۷، ۲۰۱۱). در مورد رئیس جمهور جانسون، تصمیم‌گیری درباره تشدید بمبارانها موجب تقویت اراده دشمن و تداوم جنگ در ویتنام شد.

انگیزه عزت نفس: نیاز به احساس رضایتمندی از خود

اکثر افراد نیاز شدیدی به حفظ عزت نفس^۸ بالا در حد منطقی دارند، یعنی تمایل دارند که خود را خوب، شایسته و مقبول ببینند (آرونسون، ۱۹۹۸، ۲۰۰۷؛ باومیستر^۹، ۱۹۹۳؛ تاوریس و آرونسون^{۱۰}، ۲۰۰۷). افراد با وجود انتخاب میان تحریف کردن دنیا به منظور حفظ احساس رضایتمندی از خود و بازنمایی دقیق آن، اغلب گزینه اول را برمی‌گزینند. آنها پیچ و تاب متفاوتی به موضوع می‌دهند و آن را سبک و سنگین می‌کنند. شما ممکن است دوست خود را جری^{۱۱} را فردی دوست‌داشتنی، اما بسیار تنبل بدانید، چرا که همیشه بلوزهایش کثیف و لکه‌دار است و جعبه‌های خالی غذا در کف آشپزخانه‌اش پخش است، اما وی احتمالاً خود را فردی خودمانی و بی‌تکلف می‌داند.

عزت نفس به وضوح پدیده سودمندی است، اما زمانی که موجب می‌شود تا افراد به جای درس عبرت گرفتن از اعمالشان آنها را توجیه کنند، می‌تواند مانع تغییر و اصلاح کردن خود شود. فرض کنید که یک زوج به علت حسادت غیرمنطقی شوهر پس از ده سال زندگی مشترک از یکدیگر جدا می‌شوند. شوهر به جای پذیرفتن واقعیت (که حسادت و

¹ - Lyndon Johnson

² - George W. Bush

³ - Barack Obama

⁴ - dilemma

⁵ - Draper

⁶ - McClelland

⁷ - Woodward

⁸ - self-esteem

⁹ - Baumeister

¹⁰ - Tavis & Aronson

¹¹ - Roger

انحصارطلبی وی همسرش را به ستوه آورده است)، همسرش را به خاطر پایان یافتن ازدواجشان سرزنش می‌کند و می‌گوید که همسرش به اندازه کافی پاسخگوی نیازهای او نیست. تفسیر وی یک هدف دارد که همانا ایجاد احساس رضایتمندی از خود است (سیمپسون^۱، ۲۰۱۰). البته پیامد این تحریف آن است که عبرت گرفتن از تجربه، نامحتمل و غیرممکن شده است. شوهر در ازدواج بعدی خود احتمالاً همان مشکلات را مجدداً به وجود خواهد آورد. اقرار کردن به ضعفهایمان حتی به قیمت برداشت غلط از دنیا، دشوار است.

عزت نفس. عبارت است از ارزیابی افراد از ارزشمندی خود، یعنی میزانی که خود را خوب، شایسته و مقبول می‌بینند.

گرفتاری و توجیه کردن خود. بیابید به یکی از اولین سناریوهای خود بازگردیم. اسکار و تحقیر شدن وی به خاطر پیوستن به انجمن اخوت. روان‌شناسان شخصیت معتقدند که تنها برون‌گرایی که هنگام گرفتاری می‌تواند بردباری زیادی به خرج دهند، به عضویت انجمنهای اخوت درمی‌آیند. روان‌شناسان رفتاری پیش‌بینی می‌کنند که اسکار، افراد یا چیزهایی را که موجب ناراحتی و احساس حقارت وی می‌شوند دوست ندارد. با این حال، روان‌شناسان اجتماعی دریافته‌اند که دلیل اصلی علاقه زیاد اسکار و هم‌پیمانانش به برادران انجمن اخوت، همان مناسک تحقیرآمیز و خفت‌بار است.

ترجمه تصویر صفحه ۱۶: این ادوارد اسنودن^۲ است، پیمانکار سابق محاسبات در آژانس امنیت ملی. افشای هزاران سند محرمانه در خصوص برنامه‌های امنیتی دولت ایالات متحده توسط وی در سال ۲۰۱۳، موجب شد تا وزارت دادگستری آمریکا او را به جاسوسی متهم کند. برخی معتقد بودند که اسنودن جاسوس، خائن و مجرمی است که باید از محل اختفای خود در روسیه به ایالات متحده بازگردانده شود و مورد محاکمه قرار گیرد. سایرین او را فردی افشاگر، میهن‌پرست و قهرمان می‌دانستند که برای حق حفاظت از حریم شخصی مبارزه کرده و ملت آمریکا را از برنامه‌های دولت مطلع ساخته است (در واقع در این تصویر او در حال دریافت جایزه صلح آلمان است، جایزه‌ای که آن را از طریق اسکایپ^۳ دریافت کرد). هر دو طرف مطمئن هستند که درست می‌گویند. برداشتهای متفاوت از کجا می‌آیند و پیامدهای آنها کدامند؟

در اینجا به ساز و کار آن می‌پردازیم. اگر اسکار برای به عضویت درآمدن در انجمن اخوت تحقیر شدیدی را تحمل کند، اما بعدها به مسائل ناخوشایندی درباره برادران خود در انجمن پی ببرد، احساس حماقت خواهد کرد: «چرا این همه ناراحتی و حقارت را تحمل کردم تا در اینجا با یک عده آدم نفهم زندگی کنم؟». او برای اجتناب از چنین احساس حماقتی، تصمیم خود برای تحمل تحقیر شدن را توجیه خواهد کرد و برای دادن وجهه مثبت به تجارب خود تلاش خواهد کرد. با این حال، کسی مانند خواهرش جانین که از بیرون به ماجرا نگاه می‌کند، می‌تواند وجوه منفی زندگی در انجمن اخوت را به روشنی ببیند. مسئولیتهای این انجمن هزینه‌های مالی زیادی را به اسکار تحمیل کرده است، میهمانیهای دائمی

¹ - Simpson

² - Edward Snowden

³ - Skype

میزان مطالعه وی را **تحت تاثیر** قرار داده و نمراتش افت کرده است. اما اسکار این موارد منفی را پیش و پا افتاده می‌بیند. در واقع، او به خاطر حس برادری این مسائل را آنقدر کم‌ارزش می‌بیند که به آنها توجهی نمی‌کند. او بر وجوه مثبت زندگی در انجمن اخوت تمرکز می‌کند و وجوه منفی آن را بی‌اهمیت تلقی می‌کند.

آیا این تبیین اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد؟ روان‌شناسان اجتماعی در یک سری از آزمایش‌های انجام شده در آزمایشگاه، به بررسی پیامدهای روان‌شناختی تحقیر شدن پرداختند. آزمایشگران همه چیز، از جمله رفتار معین اعضای انجمن اخوت را در موقعیت آزمایش ثابت نگاه داشتند. تنها چیزی که تغییر می‌کرد شدت تحقیر بود که دانشجویان جهت به عضویت درآمدن در انجمن باید آن را تحمل می‌کردند. نتایج نشان داد که هر چه آزمودنیها روال ناخوشایندتری را برای عضویت در گروه تحمل می‌کردند، احساس تعلق بیشتری به گروه داشتند، حتی اگر اعضای گروه دقیقاً همان افرادی بودند که با آنها رفتار ناشایستی داشتند (آرونسون و میلز، ۱۹۵۹؛ جرارد و متیوسون، ۱۹۶۶) (به فصل ششم مراجعه کنید). ترجمه تصویر صفحه ۱۷: دانشجویان سال آخر با تحقیر کردن دانشجویان سال اول به آنها خوش‌آمد می‌گویند. تحقیر کردن گاهی احمقانه است، اما اغلب خطرناک (و حتی مرگبار) است. مشکلی که در مواجهه با چنین تلاش‌هایی وجود دارد این است که تحقیر کردن علی‌رغم کل وجوه منفی خود، می‌تواند به انسجام گروهی بینجامد.

پیام اصلی این است که انسانها از طریق توجیه رفتارشان برای تداوم بخشیدن به تصویر مثبتی از خود برانگیخته می‌شوند و این موضوع تحت شرایط خاص و معین آنها را به انجام کارهایی وا می‌دارد که در نگاه اول شگفت‌آور یا متناقض به نظر می‌رسند. آنها ممکن است افراد و چیزهایی را ترجیح دهند که به خاطرشان به دردسر و زحمت افتاده‌اند، نه افراد و چیزهایی را که موجب آسایش و لذت آنها بوده‌اند.

انگیزه شناخت اجتماعی: نیاز به دقیق بودن

اکثر افرادی که به منظور موجه نشان دادن خود حقایق را وارونه جلوه می‌دهند، در دنیای خیالی زندگی نمی‌کنند. شاید بتوان گفت که آنها واقعیت را وارونه جلوه می‌دهند، اما آن را کاملاً کتمان نمی‌کنند. شیوه‌های تفکر انسانها درباره خودشان و دنیای اجتماعی بر نحوه عملکرد آنها تأثیر می‌گذارد. از این رو، بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی به مطالعه تخصصی **شناخت اجتماعی**^۳ یا نحوه گزینش، تفسیر، یادآوری و بکارگیری اطلاعات به منظور قضاوت و تصمیم‌گیری می‌پردازند (فیسک و تیلور^۴، ۲۰۱۳؛ مارکوس و زایونک^۵، ۱۹۸۵؛ نیزبت و راس، ۱۹۸۰). پژوهشگرانی که به بررسی فرآیندهای شناخت اجتماعی می‌پردازند، کار خود را با این فرض آغاز می‌کنند که کل افراد تا جایی که ممکن است تلاش می‌کنند تا دنیا را به دقت مشاهده کنند. آنها انسانها را مأموران مخفی غیرحرفه‌ای می‌دانند که برای **درک** و پیش‌بینی دنیای اجتماعی خود با تمام توان تلاش می‌کنند.

¹ - Aronson & Mills

² - Gerard & Mathewson

³ - social cognition

⁴ - Fiske & Taylor

⁵ - Markus & Zajonc

شناخت اجتماعی. عبارت است از نحوه تفکر افراد درباره خودشان و دنیای اجتماعی و به طور خاص عبارت است از نحوه گزینش، تفسیر، یادآوری و بکارگیری اطلاعات اجتماعی به منظور قضاوت و تصمیم‌گیری.

نیاز به دقیق بودن همانند نیاز به حفظ عزت نفس گهگاهی به بیراهه می‌رود. متأسفانه، اغلب در تلاشهای خود برای درک و پیش‌بینی دچار خطا و اشتباه می‌شویم، زیرا از کل حقایقی که برای قضاوت دقیق و درست درباره یک موقعیت معین نیاز داریم، تقریباً بی‌اطلاع هستیم. هنگام تصمیم‌گیری نسبتاً ساده نظیر اینکه کدام غذای صبحانه سالم و خوشمزه است یا یک تصمیم پیچیده‌تر نظیر **تمایل به خرید بهترین اتومبیل ۱۲۰۰۰ دلاری** یا تصمیم خیلی پیچیده‌تر نظیر انتخاب شریک زندگی که موجبات شادمانی ما را تا آخر عمر فراهم می‌سازد، جمع‌آوری کل اطلاعات مربوطه از قبل معمولاً امکان‌پذیر نیست. به علاوه، هر روز تصمیم‌های بیشماری می‌گیریم و وقت و توان کافی برای جمع‌آوری کل حقایق درباره هر کدام از آنها را نداریم.

آیا این موضوع جذاب به نظر می‌رسد؟ آیا تصمیم‌گیریهای مهم نسبتاً دشوار هستند؟ بیایید نگاه دقیق‌تری بیندازیم. کدام **محصول** صبحانه برای شما بهتر است، لاکه چارمز^۱ یا کوآکر آتز^۲ که محصولی ۱۰۰ درصد طبیعی و محتوی جو، عسل و کشمش است؟ شما همانند اکثر دانشجویان ما پاسخ خواهید داد که: «محصول ۱۰۰ درصد طبیعی». با این همه، لاکه چارمز یک غذای صبحانه مخصوص کودکان است که سرشار از شکر و اندکی گل ختمی می‌باشد و روی بسته‌بندی آن تصویر آدم کوتوله به چشم می‌خورد. تصاویر روی بسته‌بندیهای غذای صبحانه کوآکر آتز نمایانگر ترکیبات غذایی سالم و گندم است و آیا واژه «طبیعی» به معنای «مناسب بودن برای شما» است؟ اگر به طبیعی بودن آن استناد می‌کنید، در دام متداول شناختی افتاده‌اید: شما از بسته‌بندی محصول به خود محصول تعمیم داده‌اید. مطالعه دقیق ترکیبات آن نشان می‌دهد که یک فنجان از کوآکر آتز ۱۰۰ درصد طبیعی محتوی ۴۲۰ کالری، ۳۰ گرم شکر و ۱۲ گرم چربی است. مجله سلامت مردان^۳ آن را بدترین غذای صبحانه در آمریکا ارزیابی نمود. در مقابل، یک فنجان از لاکه چارمز حاوی ۱۴۲ کالری، ۱۴ گرم شکر و ۱ گرم چربی است. حتی در دنیای ساده غذای صبحانه هم همه چیز آن‌طور که به نظر می‌رسد، نیست.

ترجمه تصویر صفحه ۱۸: ما هنگام قضاوت درباره دنیای پیرامونمان (از تصمیم‌های مهم زندگی تا خریداری غذای صبحانه از فروشگاه) به یک سری انتظارات و میان‌برهای ذهنی^۴ تکیه می‌کنیم، نتیجه‌ای که تبلیغ‌کنندگان و بازاریابان به خوبی از آن آگاهند.

^۱ - Lucky Charms

^۲ - Quaker Oats

^۳ - Men's Health magazine

^۴ - mental short-cuts

انتظارات درباره دنیای اجتماعی. انتظارات ما درباره دنیای اجتماعی گاهی با ادراک دقیق و صحیح آن تداخل می‌کنند. انتظاراتمان حتی می‌تواند ماهیت دنیای اجتماعی را تغییر دهند. تصور کنید که معلم مقطع ابتدایی هستید و می‌خواهید زندگی دانش‌آموزانتان را بهبود ببخشید. شما در آغاز سال تحصیلی، نمرات آزمون هوش استاندارد هر دانش‌آموز را بررسی می‌کنید. در سالهای ابتدایی کار خود تا حدی مطمئن بودید که این آزمونها می‌توانند توانمندی هر دانش‌آموز را بسنجند. اکنون اطمینان دارید که واقعاً می‌توانند. اکثر اوقات دانش‌آموزانی که در این آزمونها نمرات بالایی را کسب می‌کنند، بهترین دانش‌آموزان کلاس هستند و آنهایی که نمرات پایینی را کسب می‌کنند عملکرد ضعیفی دارند.

این سناریو به طور کلی تعجب‌آور نیست، به جز یک مورد و آن اینکه شما ممکن است درباره اعتبار^۱ آزمونهای هوش اشتباه کرده باشید، یعنی آزمونها از دقت کافی برخوردار نبوده‌اند و شما با دانش‌آموزانی که نمرات بالا و پایین کسب کرده‌اند، سهواً رفتار متفاوتی داشته‌اید. این دقیقاً همان چیزی است که رابرت روزنتال^۲ و لنور جاکوبسون^۳ (۱۹۶۸/۲۰۰۳) در بررسی پدیده‌ای موسوم به پیشگویی خودکامبخش^۴ دریافتند: شما انتظار دارید که خودتان یا فرد دیگری به شکلی رفتار کند، از این رو به نحوی رفتار می‌کنید که پیش‌بینی‌تان درست از آب درآید (به فصل سوم مراجعه کنید). پژوهشگران به کلاسهای درس مدارس ابتدایی مراجعه کردند و آزمونی را اجرا نمودند. سپس بر اساس هدف آزمون، به هر یک از معلمان اطلاع دادند که چند دانش‌آموز ویژه، «نخبه» هستند که عملکرد بسیار خوبی دارند. در واقع، آزمون چنین چیزی را نشان نداد. دانش‌آموزانی که نخبه نامیده شده بودند، با نوشتن نامه‌ایشان روی کلاه به طور تصادفی انتخاب شدند و با هیچ‌کدام از دانش‌آموزان دیگر تفاوتی نداشتند. روزنتال و جاکوبسون در انتهای سال تحصیلی مجدداً به کلاسهای درس آمدند و دریافتند که دانش‌آموزان نخبه عملکرد بسیار خوبی دارند. واقعیت این بود که انتظار معلمان از عملکرد عالی آنها موجب شد که در عملکردشان بهبود حاصل شود. این پدیده جالب، به هیچ وجه اتفاقی نیست و به دفعات در بسیاری از مدارس مشاهده شده است (روزنتال، ۱۹۹۴).

با اینکه این نتیجه، خارق‌العاده به نظر می‌رسد، اما در وجه مهمی از طبیعت انسان جای گرفته است. اگر شما یکی از آن معلمها بودید و انتظار داشتید که دو یا سه دانش‌آموز ویژه عملکرد خوبی داشته باشند، به احتمال زیاد با آنها به شکلی خاص رفتار می‌کردید (به آنها بیشتر توجه می‌کردید، به دقت به حرفهایشان گوش می‌دادید، آنها را بیشتر صدا می‌زدید، بیشتر تشویق می‌کردید و موضوعات درسی چالش‌انگیزتری را به آنها آموزش می‌دادید). توجه و نگرش شما به نوبه خود می‌تواند موجب شود که این دانش‌آموزان احساس کنند شادتر، عزیزتر، بانگیزه‌تر و زرنگ‌تر هستند و به عبارت دیگر، پیشگویی تحقق می‌یابد. بنابراین، حتی زمانی که برای ادراک دقیق دنیای اجتماعی تلاش می‌کنیم، راههای زیادی برای خطا کردن وجود دارد که به برداشتهای نادرست منتهی می‌شوند.

¹ - validity

² - Robert Rosenthal

³ - Lenore Jacobson

⁴ - self-fulfilling prophecy

سؤالات مروری

۱. فرض پژوهشگرانی که به مطالعه شناخت اجتماعی می‌پردازند این است که افراد

(الف) تا جایی که ممکن است تلاش می‌کنند تا دنیا را به دقت مشاهده کنند.

(ب) نمی‌توانند درباره انسانهای پیرامون خود به درستی فکر کنند.

(ج) به منظور موجه دیدن خودشان، واقعیت را تحریف می‌کنند.

(د) توسط نیاز به کنترل سایرین برانگیخته می‌شوند.

۲. کدام یک از گزینه‌های زیر نشانگر انگیزه حفظ عزت نفس بالا است؟

(الف) پس از آنکه سارا به خاطر رابطه با فرد دیگری باب^۱ را رها می‌کند، باب تصمیم می‌گیرد که به هیچ وجه او را دوست نداشته باشد.

(ب) دانشجویانی که می‌خواهند درس سمینار را با پروفیسور لویز^۲ بردارند، باید مقاله ده صفحه‌ای بنویسند. هر کسی که انتخاب می‌شود، کلاس را دوست ندارد.

(ج) جانتا^۳ در اولین امتحان کلاس روان‌شناسی عملکرد ضعیفی داشته است. او می‌پذیرد که به اندازه کافی مطالعه نکرده است و قول می‌دهد که برای امتحان بعدی سخت مطالعه کند.

(د) زاک^۴ از موقعی که گواهینامه گرفته، چند تصادف رانندگی داشته است. او می‌گوید: «مطمئنم که رانندگان ناشی زیادی وجود دارند و باید یاد بگیرند که مثل من خوب رانندگی کنند».

۳. «پیشگویی خودکامبخش» دلیل خوبی است که بسیاری از افراد

(الف) به پیش‌بینی روز قیامت علاقه‌مند باشند.

(ب) درباره مردود شدن خود در امتحان پیشگویی کنند.

(ج) درباره قبولی خود در امتحان پیشگویی کنند.

(د) به شیوه‌ای عمل کنند که پیش‌بینی آنها درباره رفتار خودشان یا سایرین درست از آب درآید.

پاسخنامه

سؤال ۱ الف

سؤال ۲ الف، ب و د

سؤال ۳ د

1 - Bob

2 - Professor Lopez

3 - Janetta

4 - Zach

ما روان‌شناسی را علم مطالعه نفوذ اجتماعی تعریف کردیم. چرا در وهله اول در صدد درک نفوذ اجتماعی هستیم؟ میان نشأت گرفتن رفتار ما از میل به دقیق بودن یا میل به حفظ عزت نفسمان چه تفاوتی وجود دارد؟ پاسخ آن ساده است: ما کنجکاو هستیم. روان‌شناسان اجتماعی مجذوب رفتار اجتماعی انسان می‌شوند و می‌خواهند درک عمیقی از آن داشته باشند. به تعبیری، همه ما روان‌شناسان اجتماعی هستیم. همه ما در یک محیط اجتماعی زندگی می‌کنیم و درباره موضوعاتی نظیر نحوه تحت تأثیر قرار گرفتن، نحوه تأثیرگذاری بر سایرین و علت عاشق شدن، تنفر یافتن و بی‌تفاوتی نسبت به سایرین کنجکاو می‌کنیم. شما در دنیای مجازی نمی‌توانید همان رفتاری را داشته باشید که در دنیای اجتماعی با سایرین دارید. فیسبوک^۱ به علت وجود عشق، خشم، تهدید، خودستایی، محبت، دلربایی، توهین، جر و بحث، دوستی و دشمنی، غرور و پیش‌داوری در آن، آزمایشگاه ایده‌آل روان‌شناس اجتماعی است.

ترجمه تصویر صفحه ۱۹: امروزه علاقه روان‌شناسان اجتماعی به نحوه تفکر، احساس و عمل افراد در محیطهای اجتماعی به طرح پژوهشهایی جهت مطالعه تمایلات رفتاری به فیسبوک، توئیتر^۲ و سایر پلت‌فرمها^۳، سایتها و برنامه‌ها متهی شده است.

بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی برای مطالعه علل رفتار اجتماعی دلیل دیگری دارند: مشارکت در حل مسائل اجتماعی. هدف مذکور در تأسیس و پایه‌گذاری این رشته علمی مطرح بوده است. کورت لوین که با مشقت فراوان از بیم آلمان نازی گریخته بود، علاقه وافر خود به درک نحوه رخداد تغییر و دگرگونی کشورش را به آمریکا آورد. همان‌طور که از مطالعه این کتاب در خواهید یافت، روان‌شناسان اجتماعی همواره به چالشهای اجتماعی معاصر علاقه وافر نشان داده‌اند. تلاشهای آنها از کاهش خشونت و پیش‌داوری تا افزایش نوع دوستی و بردباری (فصول یازدهم و سیزدهم) گسترده است. آنها به مطالعه موضوعات اضطراری و جدی نظیر چگونگی وادار کردن افراد به حفظ منابع طبیعی نظیر آب و انرژی، تمرین کردن رابطه جنسی بی‌خطر یا مصرف غذاهای سالم (فصل هفتم) می‌پردازند. آنها اثرات خشونت در رسانه‌های گروهی را مطالعه می‌کنند (فصل دوازدهم)، جهت یافتن راهبردهای مؤثر برای حل تعارضهای درون‌گروهی (در محل کار یا در هیئت منصفه) و میان ملتها تلاش می‌کنند (فصل نهم) و در جستجوی راههایی برای افزایش میزان هوش کودکان از طریق انجام مداخلات محیطی و بهسازی برنامه‌های آموزشی و تحصیلی و نیز کاهش میزان ترک تحصیل دانش‌آموزان اقلیت از دبیرستان هستند. آنها همچنین به مطالعه موضوعات خوشایندتری نظیر شور، علاقه و محبت و عشق ورزیدن و علت تداوم آنها می‌پردازند (فصل دهم).

ترجمه تصویر صفحه ۲۰: روان‌شناسی اجتماعی به ما کمک می‌کند تا به مطالعه مسائل اجتماعی بپردازیم و راههایی را برای حل آنها بیابیم. روان‌شناسان اجتماعی ممکن است این موضوع را بررسی کنند که آیا کودکانی که خشونت را در تلویزیون مشاهده می‌کنند، پرخاشگرتر می‌شوند و اگر این‌طور است، چه نوع مداخله‌ای سودمندتر خواهد بود.

در سراسر این کتاب، به بررسی نمونه‌های فراوان کاربرد روان‌شناسی اجتماعی در حل مسائل دنیای واقعی خواهیم پرداخت. ما در پیوست کتاب برای خواننده‌های علاقه‌مند سه فصل با عنوان سلامت، محیط و قانون در نظر گرفته‌ایم.

¹ - Facebook

² - Twitter

³ - platforms

امیدواریم که شما با فهم علل بنیادین رفتار به نحوی که روان‌شناسان اجتماعی آنها را مطالعه می‌کنند، بهتر بتوانید رفتارهای خودمغلوب‌ساز^۱ یا اشتباه خود را تغییر دهید، روابط خود را بهبود ببخشید و تصمیمهای بهتر و درست‌تری بگیرید. اکنون برای آغاز کردن سفر تفریحی روان‌شناسی اجتماعی با تمام قدرت و توان آماده‌ایم. تا کنون بر درون‌مایه^۲ اصلی روان‌شناسی اجتماعی، یعنی قدرت عظیم موقعیتهای اجتماعی تأکید نموده‌ایم. کار ما همانند پژوهشگران، مطرح کردن پرسشهای دقیق و یافتن راهی برای تسخیر قدرت موقعیت اجتماعی و هدایت آن به آزمایشگاه برای انجام مطالعه مبسوط و جامع است. اگر در انجام این کار، ماهرانه عمل کنیم، به حقایقی درباره رفتار انسان دست خواهیم یافت که می‌توانند جهان‌شمول باشند. پس از آن به منظور بهسازی و اصلاح نهایی جامعه‌مان، می‌توانیم یافته‌های آزمایشگاهی خود را به دنیای واقعی بیاوریم.

خلاصه فصل

۱.۱. روان‌شناسی اجتماعی چیست و با سایر رشته‌های علمی چه تفاوتی دارد؟

- **تعریف روان‌شناسی اجتماعی.** روان‌شناسی اجتماعی علم مطالعه راههایی است که از طریق آن افکار، احساسات و رفتارهای افراد تحت تأثیر حضور واقعی یا خیالی سایرین قرار می‌گیرد. روان‌شناسان اجتماعی به درک این موضوع علاقه‌مند هستند که چرا و چگونه محیط اجتماعی به افکار، احساسات و رفتارهای فرد شکل می‌دهد.
- **روان‌شناسی اجتماعی، فلسفه، علوم و عقل سلیم.** تعبیر روان‌شناسان اجتماعی از **نفوذ اجتماعی** با فلاسفه، روزنامه‌نگاران یا افراد غیرمتخصص تفاوت دارد. روان‌شناسان اجتماعی از طریق انجام روشهای تجربی نظیر آزمایشها که در آن متغیرهای مورد مطالعه به دقت کنترل می‌شوند، درباره نفوذ اجتماعی تبیینی ارائه می‌دهند. هدف علم روان‌شناسی اجتماعی کشف قوانین جهان‌شمول رفتار انسان است که همانا علت لزوم انجام پژوهشهای میان‌فرهنگی است.
- **تفاوت روان‌شناسی اجتماعی با رشته‌های علمی مشابه آن.** روان‌شناسان شخصیت هنگام تلاش برای تبیین رفتار اجتماعی، رفتار را بر اساس صفات شخصیتی فرد تبیین می‌کنند. با اینکه روان‌شناسان اجتماعی اذعان دارند که شخصیت‌های افراد متفاوت و متنوع هستند، رفتار اجتماعی را بر اساس قدرت موقعیت اجتماعی برای شکل دادن به نحوه عملکرد فرد تبیین می‌کنند. **سطح تحلیل در روان‌شناسی اجتماعی، فرد در بافت موقعیت اجتماعی است.** در مقابل، سطح تحلیل برای جامعه‌شناسان عموماً گروه، مؤسسات و نهادها یا جامعه است. روان‌شناسان اجتماعی در صدد شناسایی خصوصیات جهان‌شمول فطرت انسان هستند که هر کسی را فارغ از طبقه اجتماعی، جنسیت یا فرهنگ در برابر نفوذ اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد.

¹ - self-defeating behavior

² - theme

۲.۱. چرا نحوه تبیین و تفسیر افراد از رویدادها و رفتار خود و سایرین اهمیت دارد؟

- **قدرت موقعیت.** رفتار فرد به شدت تحت تأثیر محیط اجتماعی قرار می‌گیرد، اما بسیاری از افراد نمی‌خواهند آن را قبول کنند.
- **اهمیت تبیین.** روان‌شناسان اجتماعی باید با **خطای بنیادین اسناد** دست و پنجه نرم کنند. خطای بنیادین اسناد عبارت است از تمایل به تبیین رفتار خود و سایرین بر اساس صفات شخصیتی و دست کم گرفتن قدرت نفوذ اجتماعی. اما روان‌شناسان اجتماعی بارها نشان داده‌اند که موقعیتهای اجتماعی و محیطی در مقایسه با تفاوت‌های شخصیتی در تعیین رفتار فرد از قدرت بیشتری برخوردارند.
- **اهمیت تفسیر.** روان‌شناسان اجتماعی نشان داده‌اند که رابطه میان افراد و موقعیتهای یک جاده دوطرفه است، بنابراین درک نحوه تأثیرگذاری موقعیتهای بر افراد و نیز نحوه ادراک و تفسیر دنیای اجتماعی و رفتار سایرین توسط افراد اهمیت دارد. این ادراکات تأثیرگذارتر از جنبه‌های عینی موقعیت هستند. اصطلاح برداشت به دنیایی اشاره دارد که توسط فرد تفسیر می‌شود.

۳.۱. هنگامی که نیاز افراد به احساس رضایتمندی از خود در تعارض با نیاز آنها به دقیق بودن قرار می‌گیرد، چه اتفاقی می‌افتد؟

- **برداشتها از کجا می‌آیند: انگیزه‌های اساسی انسان.** شیوه برداشت (ادراک، دریافت و تفسیر) فرد از موقعیت توسط دو انگیزه اساسی انسان شکل می‌گیرد: *نیاز به احساس رضایتمندی از خود و نیاز به دقیق بودن.* این دو انگیزه گاهی در جهات مخالف حرکت می‌کنند؛ برای مثال، هنگامی که دقیق دیدن نحوه عملکردمان در یک موقعیت نشان می‌دهد که خودخواهانه رفتار کرده‌ایم.
- **انگیزه عزت نفس: نیاز به احساس رضایتمندی از خود.** اکثر افراد نیاز شدیدی به در نظر گرفتن خودشان به عنوان فردی خوب، شایسته و مقبول دارند. آنها اغلب به منظور حفظ عزت نفس خود، ادراکشان از دنیا را تحریف می‌کنند.
- **انگیزه شناخت اجتماعی: نیاز به دقیق بودن.** شناخت اجتماعی علم مطالعه نحوه تفکر انسانها درباره دنیا است، یعنی آنها چگونه اطلاعات را به منظور قضاوت کردن و تصمیم‌گیری انتخاب و تفسیر می‌کنند، به یاد می‌آورند و مورد استفاده قرار می‌دهند. این‌طور تصور می‌شود که افراد در تلاش هستند تا به درک درستی نائل شوند و بتوانند قضاوتها و تصمیم‌گیریهای مؤثری درباره نوع غذایی که مصرف می‌کنند یا فردی که قرار است با وی ازدواج کنند انجام دهند. در واقع افراد معمولاً بر اساس تفسیر ناقص و اشتباه اطلاعات عمل می‌کنند.

خودآزمایی

۱. روان‌شناسی اجتماعی علم مطالعه

الف) تأثیر واقعی یا خیالی سایرین است.

ب) مؤسسات اجتماعی نظیر کلیسا یا مدرسه است.

ج) رویدادهای اجتماعی نظیر مسابقات فوتبال و جشنواره‌ها است.

د) فرآیندهای روان‌شناختی نظیر خیال‌پردازی است.

۲. تبیین احتمالی خودکشی دسته جمعی در جانستون از نظر روان‌شناسان اجتماعی کدام گزینه است؟

الف) اعضای فرقه دارای عدم تعادل روانی یا از نظر بالینی افسرده بودند.

ب) رهبر فرقه از هیپنوتیزم یا داروهایی استفاده می‌کرد تا پیروان خود را به اطاعت و فرمانبرداری وا دارد.

ج) فرآیندهایی که می‌توانستند تقریباً هر فرد سالمی را اغوا کنند.

د) فضای باز و دوستانه فرقه که موجب می‌شد تا اعضا احساس کنند که هنگام اطاعت از رهبر خود در امنیت هستند.

۳. سطح تحلیل در روان‌شناسی اجتماعی..... است.

الف) عموماً جامعه

ب) فرد در بافت اجتماعی

ج) گروهها و سازمانها

د) فرآیندهای شناختی و ادراکی مغز

۴. کدامیک از عبارتهای زیر بیانگر خطای بنیادین اسناد است؟

الف) مردی می‌گوید: «همسرم فرد غرغروبی است»، اما غر زندهای خود را حاصل گذراندن یک روز سخت در اداره می‌داند.

ب) خانمی درباره میزان بالای بیکاری در جوامع فقیر مطالبی می‌خواند و می‌گوید: «خوب، اگر آنها مردم تنبلی نبودند، حتماً شغلی پیدا می‌کردند».

ج) «افرادی که در جانستون خودکشی کردند، از انزوای اجتماعی رنج می‌بردند و از این رو به سایر نقطه نظرات درباره رهبرشان توجهی نمی‌کردند».

د) «افرادی که در جانستون خودکشی کردند، بیمار روانی بودند».

۵. وجه اشتراک روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی شخصیت کدام است؟

الف) هر دو بر فرد تمرکز می‌کنند.

ب) هر دو بر صفات شخصیتی تمرکز می‌کنند.

ج) هر دو بر تجارب آموزنده کودکی تمرکز می‌کنند.

د) هر دو بر نقش وراثت در شخصیت تمرکز می‌کنند.

۶. وجه اشتراک روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی کدام است؟

- الف) هر دو به بررسی روندهای جمعیت‌شناختی^۱ در جامعه می‌پردازند.
 ب) هر دو به مطالعه مؤسسات ملی می‌پردازند.
 ج) هر دو با تفاوت‌های شخصیتی در ارتباط هستند.
 د) هر دو با فرآیندهای گروهی در ارتباط هستند.

۷. چرا برداشت در روان‌شناسی اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است؟

- الف) زیرا رفتار افراد تحت تأثیر تفسیر آنها از رویدادها و نه صرفاً خودِ رویدادها قرار می‌گیرد.
 ب) زیرا رفتار افراد در ابتدا توسط شرایط عینی که در آن قرار دارند تعیین می‌شود.
 ج) زیرا افراد از سوگیریهای خود در ادراک رویدادها آگاه هستند.
 د) زیرا افراد می‌دانند که سایر افراد منطقی رویدادها را به نحوی در نظر می‌گیرند که آنها می‌بینند.

۸. نقش اصلی روان‌شناسی گشتالت در روان‌شناسی اجتماعی چیست؟

- الف) روان‌شناسی گشتالت بر درک نحوه کارکرد مغز افزود.
 ب) روان‌شناسی گشتالت بر نحوه ادراک افراد از دنیای مادی تأکید کرد.
 ج) روان‌شناسی گشتالت نشان داد که کل چیزی بیش از مجموع اجزای تشکیل دهنده آن است.
 د) روان‌شناسی گشتالت چشم‌انداز تاریخی را به مطالعه رفتار افزود.

۹. کدام دو انگیزه اساسی بر نحوه تعبیر و تفسیر ما از دنیا تأثیر می‌گذارند؟

- الف) نیاز به احساس درست بودن نظراتمان
 ب) نیاز به حفظ منطقی عزت نفس بالا
 ج) نیاز به احساس برتری نسبت به سایرین
 د) نیاز به ادراک و تصمیم‌گیری صحیح
 ه) نیاز به ابراز وجود

۱۰. روان‌شناسان اجتماعی برای ترغیب افراد به تغییر رفتارهای خودتخریب‌ساز^۲.....

- الف) آنها را با ارائه اطلاعات مفید متقاعد می‌کنند.
 ب) آنها را به وحشت می‌اندازند (زهره ترک می‌کنند).
 ج) آنها را با تنبیه تهدید می‌کنند.
 د) همه موارد صحیح است.
 ه) هیچ‌کدام از موارد صحیح نیست.

^۱ - demographic trends

^۲ - self-destructive behavior

پاسخنامه

سؤال ۱	الف	سؤال ۶	د
سؤال ۲	ج	سؤال ۷	الف
سؤال ۳	ب	سؤال ۸	ج
سؤال ۴	الف، ب و د	سؤال ۹	ب و د
سؤال ۵	الف	سؤال ۱۰	ه